

عوامل مؤثر بر تعداد ایده‌آل فرزندان در خانواده در استان سیستان و بلوچستان

محمدرضا حسنی*، حمیده محمدزاده**، فاطمه محمدزاده***

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۱۸)

چکیده

شناخت کنش‌ها و ایده‌آل‌های فرزندآوری در بین گروه‌های قومی-مذهبی در جوامع چندقومی و تعیین‌کننده‌های آن، نقش مهمی در درک خصوصیات ویژه فرهنگ‌های باروری، ساختار و ترکیب جمعیت خواهد داشت. هدف این مقاله، بررسی عوامل مؤثر بر تعداد ایده‌آل فرزندان در استان سیستان و بلوچستان است. روش تحقیق، پیمایشی بوده و داده‌ها با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری شده است. جامعه آماری شامل زنان و مردان ۶۵-۱۸ ساله استان سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۹۷ بوده که از بین آنها، تعداد ۴۱۳ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. یافته‌ها نشان می‌دهند که بیشتر افراد، تعداد ایده‌آل فرزندان خانواده را دو فرزند می‌دانند، و این تعداد در بین پاسخگویان غیربلوچ (۴۱ درصد) بیشتر از بلوچ (۲۸ درصد) است. نتایج حاصل از رگرسیون چندمتغیره نیز نشان داد که در مدل نهایی، متغیرهای استفاده از رادیو و تلویزیون و روزنامه، نگرش جنسیتی مدرن، تأثیر منفی و معنی‌دار، و متغیرهای سن، هزینه خانوار، قومیت و بُعد مناسکی دینداری اثر مثبت و معنی‌دار بر تعداد ایده‌آل فرزند دارند. همچنین تأثیر سایر متغیرها بر تعداد ایده‌آل فرزند، تحت تأثیر متغیر دینداری (بُعد مناسکی) است.

کلیدواژه‌ها: خانواده، تعداد ایده‌آل فرزند، دینداری، قومیت، نگرش جنسیتی، استان

سیستان و بلوچستان.

*استادیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول).

E-mail: mohammadreza.hasani63@yahoo.com

**کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه گیلان و مدرس دانشگاه پیام نور.

E-mail: mohammadzadehhamideh@yahoo.com

***کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه مازندران و مدرس دانشگاه پیام نور.

E-mail: mohammadzadeh.f@gmail.com

مقدمه

طی دهه‌های گذشته، تغییرات گسترده‌ای در ساختار و کنش‌های جمعیتی خانواده‌ها، به‌ویژه در کنش‌های باروری^۱ و تمایلات فرزندآوری^۲ در سطح جهان رخ داده است. جامعه ایران نیز از این تغییر و تحولات تأثیر پذیرفته است. تمایلات باروری و تغییر در رفتار و تعداد ایده‌آل فرزندان، یکی از مقوله‌هایی است که علاوه بر نقش مهم در تغییرات سطوح باروری و تأثیر قاطع بر میزان رشد جمعیت، بر ترکیب و ساختار جمعیت نیز تأثیر خواهد گذاشت. بنابراین، برای شناخت بهتر رفتار باروری و پیامدهای متعاقب آن، لازم است ایده‌آل‌های فرزندآوری افراد و تعیین کننده‌های آن مورد بررسی قرار بگیرد. ایده‌آل‌های فرزندآوری، بازتاب انگیزه‌های فردی، ویژگی‌های شخصیتی، ارزش‌ها، نگرش‌ها، باورهای افراد و ترجیحات سبک زندگی آنان در خصوص شمار فرزندان در خانواده است (میلر^۳، ۱۹۹۴: ۲۲۶؛ حکیم^۴، ۲۰۰۳: ۳۶۴). بونگارتز^۵ (۲۰۰۲) معتقد است با شناخت ایده‌آل‌های باروری می‌توانیم درک خود را از خصوصیات ویژه فرهنگ‌های باروری در جوامع مختلف توسعه دهیم (بونگارتز، ۲۰۰۲).

به‌نظر پژوهشگران اجتماعی، رفتار باروری بر اساس محرک‌ها، فرآیند تصمیم‌گیری و نگرش‌های مرتبط می‌تواند به‌عنوان رفتاری که در یک محیط اجتماعی و تعاملات اجتماعی با سایر افراد حادث می‌شود، در نظر گرفته شود. روابط اجتماعی بین اعضای یک جامعه و تعامل با آنها می‌تواند ارزش‌ها و هنجارهای مرتبط با رفتار باروری را سازمان دهد؛ رفتاری که تنها در والدین شدن یا قصد باروری خلاصه نمی‌شود؛ بلکه تمامی جنبه‌های فرزندآوری نظیر ازدواج، علاقه به داشتن فرزند و نگرش‌ها نسبت به محرک‌ها برای تنظیم باروری را دربر می‌گیرد (بونگارتز و واتکینز^۶، ۱۹۹۶؛ کهلر و بهلر^۷، ۲۰۰۱؛ برنادری^۸، ۲۰۰۳؛ محمودیان، ۱۳۷۹: ۱۴۸).

در سه دهه گذشته، باروری در ایران به‌طور چشم‌گیری کاهش پیدا کرده است و این فرآیند در تمام مناطق جغرافیایی و برای همه زیرگروه‌های اجتماعی-جمعیتی صورت گرفته است. اما

-
1. Fertility
 2. Childbearing
 3. Millre
 4. Hakim
 5. Bongaarts
 6. Watkins
 7. Kohler & Bühler
 8. Bernardi

از آنجایی که ایران سرزمینی با تنوع قومی-مذهبی است، این کاهش در بین گروه‌های قومی-مذهبی مختلف، شکل‌های متفاوتی را نشان می‌دهد؛ در حالی که گروه‌های قومی گُرد، گُر و ترک تقریباً به پایان مرحله انتقالی باروری رسیده‌اند و باروری‌شان در سطح جانشینی و حتی زیر سطح جانشینی است، اما بلوچ‌ها در مرحله انتقالی قرار دارند و باروری بالای سطح جانشینی دارند (عباسی‌شوازی و همکاران، ۲۰۰۹). طبق نتایج مطالعات مختلف، سطح توسعه یافتگی استان‌ها در این زمینه نقش مؤثری داشته است، اما با توجه به مطالعات صورت گرفته در کشور، گروه‌های قومی، هرچند سطوح متفاوت باروری داشته اما روندهای باروری مشابهی را با روندهای ملی و اکثریت تجربه کرده‌اند، همچنین پویایی الگوهای باروری در ایران حول سه محور عمده مذهب، قومیت و شرایط اقتصادی-اجتماعی است (عباسی‌شوازی و صادقی، ۱۳۸۵؛ عباسی‌شوازی و حسینی، ۱۳۸۶).

استان سیستان و بلوچستان، دومین استان پهناور کشور است. جمعیت این استان بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ برابر با ۲۷۷۵۰۱۴ نفر بوده است (۵۰/۵ درصد مرد و ۴۹/۴ درصد زن؛ ۴۷/۴ درصد ساکن در نقاط شهری و ۵۲/۵ درصد ساکن در نقاط روستایی) (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). این استان در سال ۱۳۹۵، بالاترین نرخ رشد سالانه جمعیت و میزان باروری کل در کشور را داشته و میانگین باروری آن بالاتر از متوسط کل کشور بوده است. این استان ناهمگن از نظر قومی-مذهبی، گرچه در مقایسه با سایر استان‌ها با تأخیر زمانی نسبتاً طولانی وارد دوره گذار باروری شده، اما کاهش باروری آن، کمتر از کاهش متناظر در مقیاس ملی و همچنین در مقایسه با استان‌های همگن از نظر قومی-مذهبی بوده است. بنا بر آمارهای منتشر شده، این استان در سه دهه اخیر، از بالاترین نرخ رشد سالانه جمعیت کشور برخوردار بوده است؛ به طوری که در چهار بازه زمانی ۱۳۶۵-۱۳۷۵، ۱۳۷۵-۱۳۸۵، ۱۳۸۵-۱۳۹۰، ۱۳۹۰-۱۳۹۵ و ۱۳۹۰-۱۳۹۵، متوسط رشد سالانه جمعیت آن، به ترتیب برابر با ۳/۷۱، ۳/۴۰، ۱/۰۵ و ۱/۸۳ درصد بوده که از متوسط رشد این شاخص در کشور بیشتر بوده است^۱ (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰، ۱۳۹۵). همچنین این استان طی این مدت، بالاترین میزان باروری را داشته و میزان باروری آن بالاتر از سطح

۱. متوسط نرخ رشد سالانه جمعیت برای کل کشور در بازه‌های زمانی یاد شده، به ترتیب برابر: ۱/۹۶، ۱/۶۲، ۱/۲۹، ۱/۲۴ بوده است.

جانشینی بوده است. بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵، میزان باروری کل در این استان به ترتیب برابر با $3/60$ و $3/96$ فرزند بوده است که بیشتر از میزان باروری کل کشور در این سال‌ها که برابر با $1/8$ و $2/01$ فرزند بوده، می‌باشد^۱ (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰، ۱۳۹۵). نتایج مطالعات گویای این واقعیت است که استان سیستان و بلوچستان بر اساس شاخص‌های توسعه، توسعه‌نیافته‌ترین استان کشور است (شیخ بیگلو، ۱۳۹۰: ۹۴؛ زنگنه، ۱۳۹۵: ۱۵۰ و ۱۵۷)، که این امر در کنار ناهمگن بودن استان از نظر قومی-مذهبی، بر بالا بودن رشد سالانه جمعیت و میزان باروری کل آن تأثیر مستقیم دارد.

با توجه به اینکه کسب شناخت از کنش‌ها، ایده‌آل‌ها و تمایلات فرزندآوری و باروری گروه‌های قومی و تعیین‌کننده‌های آن، نقش مهمی در درک پویایی‌های جمعیت و روندهای آن دارد، مقاله حاضر در پی آن است که تعداد ایده‌آل فرزند در استان سیستان و بلوچستان و عوامل مؤثر بر آن را بررسی کند.

چارچوب نظری

نظریه‌ها و رویکردهای گوناگونی برای تبیین متغیرهای تأثیرگذار بر تعداد ایده‌آل فرزند و رفتارهای باروری ارائه شده که هر کدام از دیدگاه خاصی به موضوع نگریسته و به تبیین تغییرات باروری پرداخته‌اند. این نظریات در دو قالب کلی تقسیم‌بندی شده‌اند: نظریه‌های انتخاب عقلانی و تبیین ساختاری (نظریه‌های اقتصادی باروری، برابری جنسیتی و...) و نظریه‌های مرتبط با تبیین هنجاری و فرهنگی (نوگرایی و جهانی‌شدن، تأثیر قومی-فرهنگی و...) (حسینی، ۱۳۸۳: ۹۰). از دیدگاه صاحب‌نظران این دیدگاه، عوامل فرهنگی و تغییر ایده‌ها دارای نقش بنیادین در تبیین الگوهای فرزندآوری و رفتارهای باروری هستند. در این پژوهش، با توجه شرایط جامعه مورد مطالعه به ترکیبی از این نظریه‌ها برای تبیین عوامل مؤثر بر تعداد ایده‌آل فرزندان در استان سیستان و بلوچستان استفاده شده است.

۱. در بین استان‌های کشور، در سرشماری سال ۱۳۹۵، حداقل میزان باروری کل، مربوط به استان گیلان با رقم $1/38$ و بعد از آن مازندران و تهران و حداکثر آن بعد از استان سیستان و بلوچستان استان‌های خراسان جنوبی، خراسان شمالی، و هرمزگان است (مرکز آمار ایران ۱۳۹۵).

نظریه اقتصادی باروری

در نظریه‌های اقتصادی باروری، فرزندان به‌عنوان کالای اقتصادی بادوام تلقی می‌شوند و تقاضا برای فرزند، مبتنی بر عقلانیت اقتصادی و تابع منافع است که والدین از فرزندان خود انتظار دارند. صاحب‌نظران نظریه اقتصادی-اجتماعی فرزندآوری، بر این باورند که جهت تبیین باروری باید ترکیبی از عوامل اجتماعی را به‌کار گرفت. از نظر گری بکر^۱ (۱۹۶۰)، خانواده‌ها به فرزند به‌عنوان کالای مصرفی بادوام می‌نگرند که طی زمان منفعت دارد. به‌نظر وی تابع مطلوبیتی که خانواده در مورد این کالا در نظر دارد، شامل تعداد فرزندان زنده، کیفیت بچه و کالاهای متداول و خدمات است (گیلیس^۲ و همکاران، ۱۳۸۵: ۳۰۴). استرلین^۳ در نظریه عرضه و تقاضا معتقد است که تمایلات، ترجیحات و سطح باروری در یک جامعه، به‌وسیله انتخاب‌های زوجین، هنجارها، ارزش‌ها و نگرش‌ها در زمینه فرهنگی و خانوادگی صورت می‌گیرد. والدین سعی می‌کنند تا تعادلی را بین قابلیت عرضه فرزند یعنی توان فیزیکی زاد و ولد زنان و تقاضا برای بچه که همان شمار کودکان زنده ایده‌آل است برقرار نمایند. براساس این نظریه، چنانچه فرزند به‌عنوان کالا در نظر گرفته شود ارزش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موجود در جامعه در تعیین شمار مطلوب فرزندان نقش تعیین‌کننده دارد. در این ارتباط، دو متغیر حائز اهمیت است: اول، مخارج فرزندان که جنبه اقتصادی دارد و دوم تمایلات ذهنی والدین که در ارتباط با مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی-فرهنگی و روانی همراه است (ویکس^۴، ۲۰۰۲: ۱۴۰، به نقل از حسینی، ۱۳۸۳: ۹۷؛ شاپیرو و تامباش^۵، ۲۰۱۷: ۳۲۵۴). لیبشتاین^۶ (۱۹۷۵) بر فرآیند تصمیم‌گیری عقلایی زوجین در مورد داشتن فرزند با توجه به منافع و هزینه‌های فرزندان تأکید می‌کند. در نظر او، منفعت و هزینه فرزندان، عواملی هستند که بر تصمیم‌گیری والدین در مورد شمار فرزندان تأثیر می‌گذارند. والدین، سبک سنگین می‌کنند و به ارزیابی هزینه‌ها و مخارج فرزندان می‌پردازند. چنانچه منافع داشتن بچه بیشتر از هزینه‌ها یا مخارج فرزندان باشد، نگرش والدین مثبت خواهد بود (حسینی، ۱۳۸۳: ۹۴).

1. Gary Becker
2. Gillis
3. Easterlin
4. Weeks
5. Shapiro & Tambashe
6. Leibnestein

برابری جنسیتی

تا دهه ۱۹۷۰، جنس مذکر، نان‌آور خانواده محسوب شده، درآمد خانواده از طریق کار در بیرون از خانه به‌دست آمده و مسئولیت نگهداری بچه‌ها برعهده مادر بوده است. بنابراین، اصل کلی، ایجاد تمایز بین مرد و زن برقرار بوده است (مک‌دونالد، ۲۰۰۰: ۴۳۰). اما با تغییر نگرش نقش جنسیتی زن و مرد که به ترتیب، خانه‌داری و نان‌آوری بود، زن بودن و مرد بودن، از نظر وظایف و هویت‌هایی که ایجاد می‌کند، معنای روشن و مشخص ندارد و امروزه زنان در چارچوب سرنوشتی که به واسطه نقش آنها از پیش تعیین شده است، دیگر زندگی نمی‌کنند (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۲۵). با افزایش ورود زنان به بازار کار و تغییرات چشم‌گیر در موقعیت آنان، جایگاه زنان و مردان روابط میان آنها هر چه بیشتر برابر شده است (حکیم، ۲۰۰۳: ۳۴۹) و تغییر در ساختار قدرت و افقی شدن این هرم، ساختار جدیدی به خانواده‌ها بخشیده است (گیدنز، ۱۳۸۴: ۹۶). در برابری جنسیتی، برابری بین دو جنس مفروض است. برابری در آموزش، اشتغال، مشارکت اجتماعی و غیره با توجه به این دیدگاه، زنان در زمینه فرصت‌های شغلی، آموزشی و غیره، گام به گام مردان پیش می‌روند (تستا، ۲۰۱۴: ۲۹).

نظریه‌های جهانی شدن

جهانی شدن به واسطه فناوری‌های نوین اطلاعاتی - ارتباطی، نظام‌های ارزشی، معنایی و شیوه‌ها و سبک زندگی، جوامع را دگرگون کرده است و بر تجربه افراد و افکار عمومی تأثیر و نفوذ گسترده‌ای دارد. فرهنگ‌سازی از طریق رسانه به معنای انتقال محتویات فرهنگی، شامل اعتقادات، تصاویر، برداشت‌ها و ارزش‌هایی است که بر رفتار و سبک زندگی افراد در جامعه تأثیر می‌گذارد (کارلسون^۴ و همکاران، ۲۰۰۸: ۱۲۶). گیدنز (۱۳۸۹) این وضعیت را تا حد زیادی در نتیجه ظهور برد بین‌المللی ارتباطات مدرن می‌داند و معتقد است که ارتباطات جمعی دربرگیرنده بسیاری از جنبه‌های زندگی و فعالیت اجتماعی است. در حقیقت، در اوضاع و احوال کنونی، گرایش‌های جهانی ساز نهادهای مدرن پایه‌پای تحولات و دگرگونی‌های متعدد در حوزه‌های گوناگون زندگی

-
1. McDonald
 2. Giddens
 3. Testa
 4. Carlsson

روزمره اجتماعی حرکت کرده و در نهایت، حتی بر حوزه فعالیت‌های شخصی و خصوصی افراد نیز تأثیر عمیقی برجای می‌گذارند. برای مثال، در گذشته، مردم در جوامع کشاورزی، فرزند زیاد و فامیل گسترده را افتخاری برای خود می‌دانستند، اما در جهان مدرن امروزی که عصر اطلاعات نام گرفته است، افراد با کسب آگاهی در زمینه‌های تنظیم خانواده و پیشگیری از بارداری، به دنبال ایده‌آل‌های زندگی، رفاه بیشتر و در نتیجه، فرزند کمتر هستند. این فرایند کسب آگاهی، از راه فناوری‌های جدید ارتباطی که ساختار روابط اجتماعی را در راستای پهنه‌های محدود زمانی-مکانی گسترش می‌دهد، رخ می‌دهد. گیدنز در این رابطه از اصطلاح تجربه واسطه‌ای استفاده می‌کند که منظور از آن، فناوری‌های مدرن پیام‌رسانی مانند اینترنت، شبکه‌های ماهواره‌ای و رسانه‌های جمعی چون روزنامه، تلویزیون و نظایر آن است (گیدنز، ۱۳۸۹: ۶۵۲-۶۵۳).

کالدول^۱ (۲۰۰۶) در توضیح اثرات جهانی‌شدن و اشاعه ایده‌ها و آگاهی در گذار جمعیتی مدرن، بر قدرت رسانه‌های ارتباطی همچون شبکه‌های ماهواره‌ای، در تبلیغ و توسعه ارزش‌های طبقه متوسط غربی و پیامدهای آن برای کاهش اندازه خانواده و پذیرش وسایل جلوگیری، تأکید می‌کند (کالدول، ۲۰۰۶: ۲۲۸). گذار جمعیتی در کشورهای در حال توسعه تا حد زیادی در نتیجه اشاعه ایده‌ها و دانش مرتبط با تنظیم باروری صورت گرفته است. در عصر کنونی، رسانه‌های جمعی در اشاعه ایده پیشگیری از حاملگی نقش مهمی را بازی می‌کنند (عباسی‌شوازی و همکاران، ۲۰۰۹: ۱۰). بنابراین، امروزه رسانه‌ها، به‌ویژه رسانه‌های فراملی، نقش و تأثیر عمده‌ای بر ایده‌ها و الگوهای رفتاری و سبک زندگی و انتخاب و تصمیم‌گیری‌های افراد در تمامی امور زندگی، به‌خصوص الگوی باروری و فرزندآوری دارند، هم مستقیم با القای تعداد ایده‌آل خانواده و هم غیرمستقیم از طریق تغییر در ارزش‌های فرزندآوری.

نظریه‌های تفاوت‌های قومی باروری

از نظر محققان و نظریه‌پردازان، فرهنگ محلی و سنت‌ها، مهمترین عوامل مؤثر بر فرزندآوری است (پین^۲، ۲۰۰۴: ۴). فرهنگ قومی، دربرگیرنده شیوه کلی زندگی، زبان، ایده‌ها، اعتقادات، ارزش‌ها و الگوی رفتاری است (حسینی، ۱۳۸۳: ۱۰۶). در رویکرد تأثیر قومی فرهنگی، فرض

1. Caldwell

2. Payne

بر این است که اعضای یک گروه معین، هنجارها، ایده‌آل‌ها و تجربیات اقتصادی-اجتماعی مشترکی دارند که متمایز از ویژگی‌های اعضای دیگر جامعه‌ای است که این گروه بخشی از آن به‌شمار می‌رود. بنابراین، رفتارهای باروری گروه‌های قومی ممکن است پاسخ منطقی آنها به شرایط موقعیتی، تبعیض‌های گروهی و عدم امنیت روانی-اجتماعی، یا تفاوت در ارزش‌ها و هنجارهای خرده فرهنگی باشد (همان: ۱۰۶-۱۰۷). به‌عبارت دیگر، هر گروه قومی به‌دلیل ارزش‌های فرهنگی خاص خود، رفتارهای باروری متفاوتی را تجربه می‌کند (شاپیرو و تامباش، ۲۰۱۷: ۳۲۵۴). در رابطه با قومیت و باروری، سه فرضیه شامل: تبیین ساختاری یا مشخصه‌ها، هنجارهای خرده فرهنگی و موقعیت گروه اقلیت مطرح است، که در زیر به‌طور مختصر به هرکدام اشاره شده است.

فرضیه تبیین ساختاری:

با توجه به شالوده اساسی این رویکرد، تفاوت‌های قومی باروری، بازتاب و نمایانگر توزیع نابرابر شاخص‌های توسعه‌ای و نابرابری قومی است. این دیدگاه با تأکید بر مفهوم نابرابری قومی، بیان می‌کند که وابستگی قومی به‌تنهایی، تأثیری مستقل بر باروری ندارد، بلکه تفاوت‌های قومی در ترکیب مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی و ساختارها، عمدتاً موجب تفاوت‌های قومی مشاهده شده در باروری می‌شود (آبو^۱، ۲۰۱۰: ۲۸) و این تفاوت‌ها نشان‌دهنده موقعیت نسبی گروه‌های قومی در سیستم طبقاتی جامعه است (شاپیرو و تامباش، ۲۰۱۷: ۳۲۵۴). این فرضیه، رفتار باروری را به مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی، درآمد، شغل، تحصیلات و محل اقامت (شهر یا روستا) نسبت می‌دهد؛ بدین معنی که میزان بالاتر باروری یک گروه قومی، پیامد وضعیت اقتصادی-اجتماعی پایین‌تر و فقیر بودن آنها نسبت به گروه اکثریت است (گلدشایر^۲، ۱۹۷۱؛ به نقل از پالامولنی^۳، ۲۰۱۴: ۷۲). طبق این فرضیه، امروزه به‌دلیل گسترش ارتباطات اجتماعی و نوسازی، قومیت تأثیر مستقل و معنی‌داری بر رفتار باروری ندارد، بلکه آنچه که ممکن است ناشی از تأثیر قومیت باشد، اغلب بازتاب این واقعیت است که اعضای هر گروه قومی، جایگاه متفاوتی در ساختارهای اقتصادی-اجتماعی دارند (حسینی، ۱۳۸۳: ۱۰۶؛ چانگ^۴، ۲۰۰۳: ۶۵).

1. Abuov
2. Goldscheider
3. Palamuleni
4. Chang

فرضیه هنجارهای خرده‌فرهنگی:

در این فرضیه، گروه‌های قومی-مذهبی به خاطر ارزش‌های فرهنگی و مذهبی خاص خود، رفتارهای باروری متفاوتی را تجربه می‌کنند و هنجارها و ارزش‌های منحصر به فرد مربوط به تشکیل خانواده، بازتابی از تاریخ، فرهنگ و باورهای مشترک اعضای گروه اقلیت، بدون توجه به موقعیت اقتصادی-اجتماعی آنها است. در فرهنگ بعضی گروه‌های قومی-مذهبی، ممکن است فرزند دارای ارزش زیادی باشد، افراد در رفتارهای باروری، به شدت تقدیرگرا باشند، یا اینکه روش‌های معینی از کنترل موالید در میان آنها ممنوع شده باشد. بنابراین، انتظار می‌رود گروه‌های قومی، حتی با ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی یکسان، سطوح باروری متفاوتی را تجربه کنند (لوپز و صباغ، ۱۹۷۸: ۱۴۱۵). از نظر هممل^۲ (۱۹۹۰)، فرهنگ تبیین می‌کند که چرا افراد در جوامعی که به ظاهر از نظر اقتصادی در شرایط یکسانی به سر می‌برند، اما از نظر آداب و رسوم و زبان متفاوتند، عملکردهای جمعیتی متفاوتی ندارند. فرهنگ می‌تواند توضیح دهد چرا با وجود تغییر شرایط اقتصادی و اجتماعی، جمعیت یک منطقه در طول زمان از نظر جمعیت‌شناختی یکسان عمل می‌کند. به‌کارگیری فرهنگ به‌عنوان مبنای تحلیل، می‌تواند زمینه‌های تبیین را به سطحی بالاتر انتقال دهد (هممل، ۱۹۹۰؛ به نقل از حسینی، ۱۳۸۳: ۱۰۸).

فرضیه موقعیت گروه اقلیت:

هنجارها و ارزش‌های فرهنگی، عوامل بسیار مهمی در تعیین سطح باروری در بین گروه اقلیت هستند (آبو، ۲۰۱۰: ۲۸). بنا بر فرضیه موقعیت گروه اقلیت، موقعیت این گروه مبتنی بر دینامیک روابط میان گروه‌های اقلیت و اکثریت است، که طبق آن، گروه اقلیت، رفتار باروری‌اش را با توجه به دستیابی یا عدم دستیابی به تحرک اجتماعی تنظیم می‌کند و باروری پایین را به‌عنوان مکانیزمی برای دستیابی حفظ موقعیت اقتصادی-اجتماعی بالا در نظر می‌گیرد. گلدشاپدر و اولنبرگ بر این باورند که باروری پایین‌تر گروه اقلیت ناشی از تعامل موقعیت گروه اقلیت و موفقیت اقتصادی و اجتماعی آنها است. عضویت در گروه اقلیتی که دارای نظام هنجاری مشوق خانواده بزرگ نیست و استفاده از روش‌های مؤثر جلوگیری از حاملگی را منع یا تشویق نمی‌کند، سبب می‌شود تا باروری گروه اقلیت به پایین‌تر از گروه اکثریت تقلیل یابد. چنانچه در صورت

1. Lopez & Sabagh

2. Hammel

همانندی اقتصادی و اجتماعی، تفاوت‌های قومی در ایستارها و رفتارهای باروری از بین نرفت، باروری پایین‌تر گروه‌های اقلیت ممکن است ناشی از عدم امنیت مربوط با موقعیت آنها باشد (گلدشایدر و اولنبرگ، ۱۹۷۰: ۳۶۹-۳۷۰؛ کلو و هانیمین^۱، ۲۰۱۶: ۱۴۴۶-۱۴۴۵). بین و ماکوم^۲ معتقدند، چنانچه هنجارها و قوانین موافق با افزایش موالید در جامعه وجود نداشته باشد، عدم امنیت روانی-اجتماعی و موقعیت حاشیه‌ای گروه‌های اقلیت سبب می‌شود تا آن دسته از اعضای این گروه که در تلاش برای تحرک اجتماعی هستند، باروری‌شان را کاهش دهند؛ زیرا باروری پایین را به‌عنوان ابزاری برای رسیدن به پیشرفت و ترقی اجتماعی می‌دانند. برعکس، عدم امنیت سیاسی، در حاشیه بودن و فقدان تحرک صعودی مرتبط با موقعیت گروه اقلیت، استفاده از وسایل پیشگیری از حاملگی و رفتار باروری آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. گروه اقلیتی که شانس ضعیفی برای تحرک اجتماعی رو به بالا دارد، چنانچه بخواهد ضمن حفظ موجودیت خود، قدرتش را افزایش دهد، کمتر احتمال دارد که از وسایل پیشگیری از حاملگی استفاده کند. بنابراین، سطح باروری اقلیت‌ها بالاتر از گروه اکثریت خواهد ماند (عباسی‌شوازی و حسینی، ۱۳۸۶، ۱۵-۱۴، حسینی، ۱۳۸۳: ۱۱۱).

دینداری

مذهب به‌عنوان عامل فرهنگی، از طریق هنجارهای مرتبط با اندازه خانواده، تعداد فرزندان و سن ازدواج و هنجارهای مرتبط با متغیرهای بینابینی بر باروری تأثیر می‌گذارد (چمی^۳، ۱۹۸۱: ۳؛ به نقل از محمودیان و نوبخت، ۱۳۸۹: ۱۹۸). در مورد چگونگی تأثیر مذهب بر باروری سه رویکرد مهم وجود دارد: رویکرد ویژگی‌ها و خصایص، رویکرد موقعیت گروه اقلیت، رویکرد الهیات ویژه (لوکاس و میر، ۱۳۸۴: ۱۱۸).

رویکرد ویژگی‌ها و خصایص، اختلاف الگوهای باروری را براساس تفاوت‌هایی که در ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی افراد وجود دارد، تبیین می‌کند. این رویکرد اختلافات باروری را ناشی از تفاوت‌هایی می‌داند که در ویژگی‌ها و خصایص اقتصادی-اجتماعی افراد با گرایش‌های مذهبی مختلف نهفته است. بر اساس این رویکرد، مذهب بالذات تأثیرگذار نیست؛ بلکه این

-
1. Kulu & Hannemann
 2. Beam & Marcum
 3. Chamie

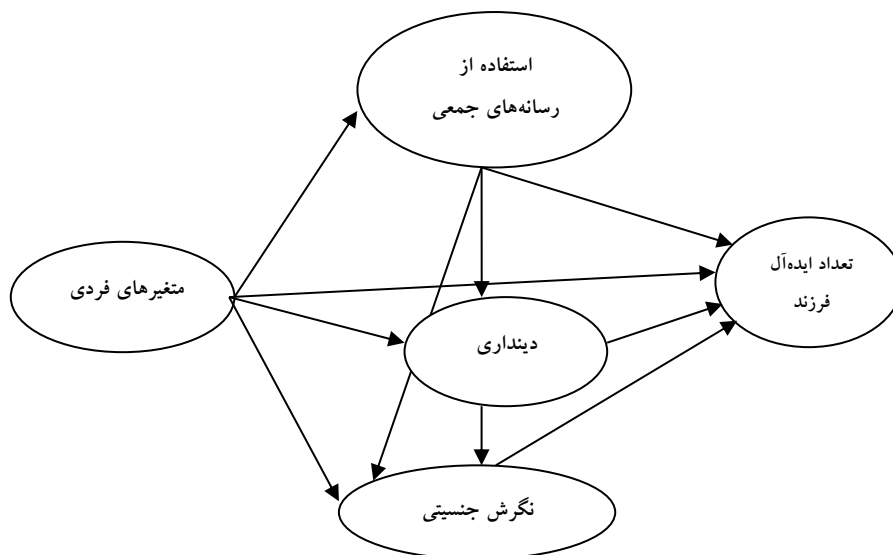
عوامل مؤثر بر تعداد ایده‌آل فرزندان در خانواده در استان سیستان و بلوچستان ۱۰۱

ویژگی‌ها و خصایص اقتصادی-اجتماعی (مانند بی‌سوادی، روستائین، موانع دسترسی به وسایل کنترل مولید، مزایای فرزندان زیاد در اقتصاد کشاورزی سنتی) گروه‌های مذهبی هستند که بر باروری تأثیر می‌گذارند (چمی، ۱۹۷۱؛ به نقل از محمودیان و نوبخت، ۱۳۸۹: ۱۹۸؛ کافمن و اسکایریک^۱، ۲۰۱۲ به نقل از فروتن و رضایی، ۱۳۹۷: ۸۰).

رویکرد ویژگی‌ها و خصایص، تأثیر مذهب بر باروری را کاذب می‌داند و باروری گروه‌های مذهبی را با لحاظ کردن مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی تبیین می‌کند. رویکرد دوم نیز معطوف به وضعیت و موقعیت گروه‌های مذهبی، به‌عنوان یک گروه اقلیت است. از این دیدگاه، موقعیت گروه‌های مذهبی به‌عنوان یک گروه اقلیت به دو شکل می‌تواند رفتار فرزندآوری آنان را تحت تأثیر قرار دهد. حالت اول، به حفظ ارزش‌ها و هنجارهای گروه‌های مذهبی اشاره می‌کند. حالت دوم نیز معطوف به عدم امنیت و در حاشیه بودن گروه‌های مذهبی به‌عنوان یک گروه اقلیت است. بالاخره، رویکرد سوم، مبتنی بر آموزه‌های مذهبی و باورهای فرهنگی دینی گروه‌های مذهبی است. به عقیده لوکاس و میر، ایدئولوژی دینی در برخی گروه‌های مذهبی به گونه‌ای است که فرزندآوری زیاد را تجویز و تقویت می‌کند. به‌عنوان مثال، مطابق باورهای دینی برخی گروه‌های مذهبی، ازدواج در سنین پایین تشویق می‌شود، استفاده از وسایل کنترل مولید و سقط جنین را ناشایست و حرام تلقی می‌کنند یا اساساً داشتن فرزندان زیاد را یک ارزش می‌دانند (لوکاس و میر، ۱۳۸۴: ۱۱۸). مطابق با نظر همل (۱۹۹۰)، افرادی با شرایط اقتصادی-اجتماعی مشابه اما با اعتقادات مذهبی متفاوت و یا متعلق به گروه‌های مختلف مذهبی، ممکن است رفتارهای باروری متفاوتی را بروز دهند. ممکن است برخی از گروه‌های مذهبی اهمیت بیشتری به تشکیل خانواده و تعداد زیاد فرزند بدهند و یا افرادی که مذهب نقش اساسی و پررنگی در زندگی‌شان دارد، رفتارها و تمایلات متفاوت با سایرین در خصوص فرزندآوری داشته باشند (به نقل از حسینی، ۱۳۸۳: ۱۰۸).

هر کدام از دیدگاه‌های نظری انتخاب عقلانی و تبیین ساختاری و نظریه‌های مرتبط با تبیین هنجاری و فرهنگی سعی کرده‌اند از دیدگاه خاصی به عوامل و سازوکارهای تأثیرگذار بر تغییرات خانواده، کنش‌ها و تمایلات فرزندآوری بپردازند، با توجه به اینکه عوامل ساختاری و

ایدئولوژیک به طور بنیادی در کنش‌ها و ایده‌آل‌های فرزندآوری افراد مؤثرند، تبیین تحولات و نیات فرزندآوری افراد نه به تنهایی، بلکه از مسیر تعامل بین این دو رویکرد نظری محقق می‌شود. اما تأثیر این عوامل و فرایندها در میان جوامع و گروه‌های مختلف، متفاوت است و نیازمند بررسی و تبیین نوع اثرگذاری آنها با توجه به بستر و شرایط هر جامعه و ارزش‌ها و باورهای حاکم بر معانی ذهنی و تفاسیر افراد آن جامعه در کنش‌هایشان است. بنابراین، تحقیق حاضر تلاش می‌کند، با ترکیبی از نظریه‌های انتخاب عقلانی و تبیین ساختاری و نظریه‌های مرتبط با تبیین هنجاری و فرهنگی، مهمترین عوامل مؤثر بر تعداد ایده‌آل فرزند در استان سیستان و بلوچستان (جامعه‌ای ناهمگن از نظر قومی-مذهبی) را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد. در این راستا، مدل تحلیلی تحقیق با استفاده از مباحث نظری یاد شده ارائه گردیده است.



شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق

فرضیه‌های تحقیق

۱. بین متغیرهای فردی و تعداد ایده‌آل فرزند رابطه وجود دارد؛ ۲. بین استفاده از رسانه‌های جمعی و تعداد ایده‌آل فرزند رابطه وجود دارد؛ ۳. بین نگرش‌های جنسیتی و تعداد ایده‌آل فرزند رابطه وجود دارد؛ ۴. بین دینداری و تعداد ایده‌آل فرزند رابطه وجود دارد.

پیشینه تحقیق

در زمینه ایده‌آل‌های فرزندآوری، تحقیقات داخلی و خارجی بسیاری انجام یافته است. بیشتر پژوهش‌ها، عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بسیاری را در این امر دخیل دانسته‌اند که در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم. در پژوهش چانگ (۲۰۰۳) در کشور چین، متغیرهای سن و پایگاه اجتماعی-اقتصادی گروه‌های اقلیت، همبستگی قوی با باروری در بین سی گروه اقلیتی مهم داشته‌اند که نشان می‌دهد قدرت جامعه و خرده فرهنگ‌ها تأثیر بسیاری بر تصمیمات زنان درباره تعداد فرزندان دارد. همچنین جداسازی قومی و آموزشی و بی‌سوادی تأثیر منفی و معنی-داری بر باروری زنان نشان داده است. مطابق پژوهش براناس گارازا و نیومن^۱ (۲۰۰۷)، تماشای مراسم مذهبی در دوران کودکی، اثر عمیقی بر گرایش زنان به فرزندآوری می‌گذارد. در اسپانیا، زنانی که مادرانشان بسیار به کلیسا می‌روند، به‌طور میانگین، یک فرزند کمتر از کسانی که مادر کمتر به کلیسا می‌رود، داشته‌اند. پدران خیلی مذهبی هم دخترانشان فرزندان بیشتری داشته‌اند. در ایتالیا، مادران مذهبی، دخترانی با بچه‌های کمتر داشته و دینداری پدران، ارتباطی با تعداد فرزند دختران بازگو نکرده است. رابطه دینداری فرد با تعداد فرزندان، معنی‌دار نبوده و بین دینداری و باروری رابطه معنی‌دار وجود نداشته است.

یافته‌های پژوهش ژانگ^۲ (۲۰۰۸)، در ایالات متحده نشان داد که دینداری به‌خصوص در بُعد اعتقادی اثر مثبتی بر باروری داشته، اما تفاوتی بین زن و مرد در این مورد به‌دست نیامده است. هی فورد و مورگان^۳ (۲۰۰۸) نیز در پژوهشی با استفاده از داده‌های پیمایش ملی رشد خانواده در ایالات متحده نشان دادند که با بالا رفتن سطح دینداری، تمایلات افراد به داشتن فرزند، بیشتر می‌شود. مطابق پژوهش ادھیکاری^۴ (۲۰۱۰) در کشور نپال، تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای در میانگین تعداد کودکان متولد شده با توجه به محیط‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی زنان وجود دارد. محل اقامت، مذهب و رسانه‌های جمعی، مهمترین متغیرهای تبیین‌کننده تغییرات باروری است. رابرتس^۵ و همکارانش (۲۰۱۱) در مطالعه خود در بین مردان

-
1. Branas-Garza & Neuman
 2. Zhang
 3. Heyford & Morgan
 4. Adhikari
 5. Roberts

کانادایی نشان دادند که هرچقدر سطح تحصیلات افزایش یابد، تمایل به داشتن فرزند کمتر می‌شود. بر اساس تحقیق سودبرگ^۱ و همکارانش (۲۰۱۳) در میان زنان سوئدی که هنوز مادر نشده‌اند با افزایش سطح تحصیلات زنان، تمایل آنها به فرزندآوری کمتر می‌شود. رکونا و سالازار^۲ (۲۰۱۴)، در تحقیقی با استفاده از داده‌های سرشماری سال ۱۹۹۱ اسپانیا و با بررسی روی چندین نسل از زنان متولد شده در نیمه اول قرن بیستم نشان دادند که با افزایش تحصیلات، تمایل به ازدواج و باروری در بین زنان کمتر می‌شود. نتایج پژوهش گتو^۳ و همکارانش (۲۰۱۵) در هفده کشور اروپایی نشان داده است که بین نگرش جنسیتی و تمایل به فرزندآوری رابطه مستقیمی وجود ندارد؛ ولی دینداری نقش مؤثری در تمایل به فرزندآوری دارد. به‌خصوص در جوامع سنتی، هر چقدر افراد مذهبی‌تر باشند، تمایل به فرزندآوری در بین آنها بیشتر است. پری رتم^۴ (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای نسلی در بین زنان بریتانیایی، فرانسوی و هلندی به این نتیجه رسیده است که مذهب و اعمال مذهبی نقش تعیین‌کننده‌ای در باروری دارد، همچنین افراد دارای تحصیلات بالاتر، میزان باروری‌شان پایین است.

در پژوهش شرفلر^۵ (۲۰۱۶) در ایلات متحده، زنانی که دارای موقعیت شغلی بهتر هستند، تمایل به فرزندآوری کمتری دارند ولی با بالا رفتن سن، تمایل به فرزندآوری در بین آنها زیاد می‌شود. مطابق نتایج پژوهش شاپیرو و تامباش (۲۰۱۷) در خصوص باروری، قومیت و تحصیلات در جمهوری دموکراتیک کنگو، با افزایش تحصیلات، میزان باروری کاهش و با افزایش سن میزان باروری افزایش می‌یابد. همچنین گروه‌های قومی مختلف، رفتارهای باروری متفاوتی از خود نشان می‌دهند.

در پژوهش محمودیان و نوبخت (۱۳۸۹) در بین زنان ازدواج کرده (از دو گروه مذهبی شیعه و سنی) شهر گله‌دار استان فارس، میانگین تعداد ایده‌آل فرزند در بین پاسخگویان شیعه و سنی برابر با ۲/۳۵ و ۳/۷۲ فرزند بوده و با بالا رفتن سطح تحصیلات در هر دو گروه شیعه و سنی تعداد ایده‌آل فرزندان کاهش یافته است. مطابق پژوهش قدرتی و احمدی (۱۳۹۰) در بین زنان متأهل ۲۰-۴۰ ساله شهر سبزوار، بین متغیرهای سطح تحصیلات و منطقه محل سکونت و متغیر

-
1. Söderberg
 2. Requena & Salazar
 3. Guetto
 4. Peri-Rotem
 5. Shreffler

تعداد فرزند، رابطه معکوس و معنی‌داری وجود داشته است. در مطالعه ادیبی‌سده و همکارانش (۱۳۹۰) در میان طایفه کُرد ساکن اندیمشک، میزان تحصیلات، رابطه معکوس و معنی‌داری با میزان باروری نشان داده است، اما تأثیر میزان درآمد معنی‌دار نبوده است. مطالعه سروش و بحرانی (۱۳۹۲)، در زمینه رابطه دینداری، نگرش به نقش‌های جنسیتی و نگرش به فرزند، با تعداد واقعی و ایده‌آل فرزند در بین زنان متأهل شیراز، نشان دادند که متغیر میزان تحصیلات، تأثیر معکوسی بر تعداد ایده‌آل فرزند داشته و به‌تنهایی تعیین‌کننده ۴۰ درصد از تغییرات واریانس این متغیر بوده است، اما متغیر دینداری، تأثیر مثبتی بر تعداد فرزند ایده‌آل داشته است. بر اساس نتایج تحقیق محمودیان و محمودیانی (۱۳۹۳) در شهر کرمانشاه، نشان دادند که سطح تحصیلات مردان بر تعداد فرزندان دلخواه آنها اثر معنی‌دار دارد؛ اما در آزمون چندمتغیره با کنترل سایر متغیرها، فقط تأثیر سن ازدواج زنان معنی‌دار است و بین نگرش افراد با ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی مختلف نسبت به باروری، تفاوت معنی‌دار وجود ندارد.

عباسی‌شوازی و خانی (۱۳۹۴)، در مطالعه‌ای در شهرستان سندج به این نتیجه رسیدند که با وجود نقش تعدیل‌کننده متغیرهای تحصیلات، فاصله بین واقعیات و انتظارات اقتصادی و سن زنان، تأثیر معنی‌دار ناامنی اقتصادی بر باروری همچنان پایدار است. نتایج پژوهش چمنی و همکارانش (۱۳۹۵) در شهر تهران، بر تأثیر معکوس و معنی‌دار متغیرهای تحصیلات و میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و تأثیر مستقیم و معنی‌دار دینداری بر متغیر ایده‌آل باروری اشاره دارد. پژوهش عباسی‌شوازی و همکارانش (۱۳۹۷) در خصوص تأثیر جهت‌گیری ارزشی - نگرشی بر ایده‌آل‌های فرزندآوری در ایران با استفاده از داده‌های پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال ۱۳۹۴ نشان داد که ۴۸/۱ درصد پاسخگویان، دو فرزند و ۴۳ درصد آنها سه فرزند و بیشتر را ایده‌آل فرزندآوری اعلام کرده‌اند. بررسی متغیرهای اقتصادی اجتماعی سطح سواد و وضعیت شغلی نشان داده که با افزایش سطح تحصیلات از ایده‌آل‌های فرزندآوری کاسته می‌شود، هر چه دینداری افراد بالاتر باشد، ایده‌آل‌های فرزندآوری نیز بالاتر است، همچنین متغیرهای ارزشی-نگرشی، برابری جنسیتی و دینداری، بیشترین تأثیر را بر ایده‌آل فرزندآوری دارند. فروتن و میرزایی (۱۳۹۷) در مطالعه خود در بین گروه‌های قومی ترک، ترکمن، کُرد، گیلک، لُر، لک، و مازنی نشان دادند که بیشترین ترجیح فرزند در بین گروه‌های قومی مورد مطالعه معطوف به الگوی دو فرزند است. تفاوت بین مردان و زنان در زمینه ترجیحات

فرزندآوری بسیار ناچیز است و ترجیحات فرزندآوری اغلب گروه‌های قومی، تابعی از محل سکونت آنها است. سن و سطح تحصیلات نیز دارای تأثیرات معنی‌داری بر فرزندآوری گروه‌های قومی بوده و به موازات افزایش سطح تحصیلات، تمایل به فرزندآوری کاهش می‌یابد. متغیر دینداری نیز تأثیر معنی‌داری بر ترجیحات فرزندآوری نشان داده است.

بر اساس نتایج تحقیق عنایت و پرنیان (۱۳۹۲) در بین زنان و دختران ۲۴-۱۵ ساله شهر شیراز، متغیرهای فناوری نوین داده‌ای و ارتباطاتی، استفاده از تلفن همراه و مشتقات آن و فردگرایی، با گرایش به فرزندآوری رابطه منفی و معنی‌داری نشان داده‌اند. در پژوهش رسول‌زاده و همکارانش (۱۳۹۴) در میان دانشجویان دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، بین میزان استفاده از رسانه‌های خارجی (اینترنت، شبکه‌های اجتماعی مجازی و شبکه‌های ماهواره‌ای) و گرایش به فرزندآوری رابطه معکوس و معنی‌دار وجود نمایان شده است، اما در مورد رسانه‌های داخلی این رابطه معنی‌دار نبوده است. در مطالعه صادقی (۱۳۹۵) در شهر تهران، به غیر از تلویزیون، با افزایش میزان استفاده از اینترنت و ماهواره، میانگین باروری مطلوب (تعداد فرزندان دلخواه) کاهش یافته است و اثر استفاده از روزنامه و مجلات معنی‌دار نبوده است. مطابق نتایج پژوهش سفیری و همکارانش (۱۳۹۶) در بین زنان شهر ایلام، نگرش مثبت به فرزند در بین زنان در حد متوسط بوده و متغیرهای نقش منفی ماهواره و نقش مثبت تلویزیون بیشترین سهم را در تبیین میزان نگرش مثبت به فرزند داشته‌اند.

مطابق پژوهش عسکری ندوشن و همکارانش (۱۳۹۴) در زمینه بررسی تطبیقی عوامل تعیین‌کننده ایده‌آل‌های باروری زنان گُرد شاغل و غیرشاغل شهر سنندج، بیشتر پاسخگویان مورد بررسی، تعداد دو فرزند را ایده‌آل می‌دانند. بر اساس نتایج این مطالعه، در بین زنان مورد بررسی، متغیرهای تقدیرگرایی در رفتار باروری و نگرش نسبت به هزینه فرزندان، با متغیر تعداد ایده‌آل فرزندان، رابطه معنی‌دار داشته است. همچنین در بین زنان غیرشاغل، متغیر پابندی به ارزش‌های خانواده بزرگ، تأثیر مستقیم و معنی‌دار بر تعداد ایده‌آل فرزندان داشته است. نتایج تحقیق ارجمندسیاهپوش و برومند (۱۳۹۵)، در زمینه عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر گرایش به فرزندآوری در بین زنان متأهل شهر اندیمشک نشان داد که از رابطه منفی و معنی‌دار بین پیروی از سنت‌ها، میزان تحصیلات و پایگاه اقتصادی - اجتماعی با گرایش به فرزندآوری زنان است. نتایج مطالعه فروتن و کرمی (۱۳۹۵) در بین زنان و مردان ۱۵ ساله و بالاتر ساکن در نقاط شهری

و روستایی در شهرستان‌های اهواز، بابلسر، بجنورد، گنبدکاووس، محمودآباد و همدان نشان داد که تمایلات فرزندآوری مردان و زنان بسیار به هم شبیه و تفاوت‌ها در زمینه تمایلات فرزندآوری به‌طور چشم‌گیری تحت تأثیر نحوه نگرش جنسیتی مانند نگرش به الگوی سنتی مرد نان‌آور خانواده و اشتغال زنان بوده است.

مطابق نتایج پژوهش راد و ثوابی (۱۳۹۴) در بین زنان متأهل شهر تبریز، باورهای مذهبی به‌عنوان مهمترین عامل، بیشترین سهم را در میزان گرایش به باروری زنان داشته است، همچنین متغیر سن زن، بیشترین و متغیر پایگاه اجتماعی، کمترین اثر را بر میزان گرایش به باروری زنان نشان داده است. پژوهش پیلتن و رحمانیان (۱۳۹۴) در شهر جهرم، حاکی از معنی‌دار بودن رابطه بین متغیر دینداری با تعداد ایده‌آل فرزند و تمایل به فرزندآوری است. نتایج مطالعه خلفی (۱۳۹۵) در بین زنان همسر دار شهر یزد، بیشتر پاسخگویان داشتن دو فرزند را ایده‌آل دانسته‌اند. بر اساس نتایج این مطالعه، متغیرهای فعالیت مذهبی و پایبندی دینی بر تعداد ایده‌آل تأثیر نداشته، اما با افزایش سطح تحصیلات، میانگین تعداد ایده‌آل فرزندان زنان کاهش یافته است. مدیری (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای در بین زنان و مردان متأهل شهر تهران، نشان داد که تعداد فرزندان قصد شده در هر دو جنس، متأثر از دینداری و نگرش‌های جنسیتی بوده و دینداری تأثیر بیشتری داشته است. بر اساس نتایج پژوهش فروتن و رضایی پاشا (۱۳۹۷) در بین زنان و مردان ۱۵ ساله و بالاتر ساکن در نقاط شهری و روستایی در شهرستان‌های اسفراین، اهواز، بابلسر، بجنورد، خرم‌آباد، گنبدکاووس، محمودآباد و همدان، تمایلات فرزندآوری، به‌طور معنی‌داری تحت تأثیر سطح دینداری بوده است. مطابق یافته‌های تحقیق فروتن و همکارانش (۱۳۹۵) در شهرستان‌های بجنورد و گنبدکاووس الگوی خانواده دو فرزندی، برجسته‌ترین تمایل فرزندآوری در بین هر دو گروه شیعی و سنی مذهب بوده است. یافته‌های تطبیقی این مطالعه نیز نشان‌دهنده نقش به‌مراتب مهم‌تر متغیرهای جنسیت و محل سکونت در تمایلات فرزندآوری بوده است.

بررسی نتایج مطالعات ارائه شده نشان می‌دهد که عوامل ساختاری و فرهنگی - هنجاری بسیاری بر تعداد ایده‌آل فرزند تأثیرگذارند و برای درک و پیش‌بینی وضعیت باروری مهم است تا روابط میان این عوامل و تأثیر آنها بررسی و تبیین شود. نتایج بیشتر تحقیقات داخلی و خارجی حاکی از آن است که با افزایش سطح تحصیلات و استفاده از رسانه‌های خارجی، تعداد ایده‌آل فرزند کاهش می‌یابد و رسانه‌های داخلی، به‌غیر از تلویزیون، تأثیری بر تعداد ایده‌آل فرزند

ندارند. همچنین یافته‌های بیشتر مطالعات حاکی از تأثیر مثبت دینداری، مذهب و اعمال مذهبی و قومیت بر تعداد ایده‌آل فرزند است، گرچه در برخی تحقیقات این رابطه معنی‌دار نیست. تحقیق حاضر تلاش می‌کند با توجه به پیشینه‌های بررسی شده و بافت اجتماعی-فرهنگی جامعه مورد مطالعه، عوامل مؤثر بر تعداد ایده‌آل فرزند را بررسی کند.

روش تحقیق

پژوهش حاضر، از نظر روش، پیمایشی، از نظر هدف، یک بررسی کاربردی، از نظر وسعت، پهنانگر و از لحاظ زمانی، یک بررسی مقطعی است. واحد تحلیل فرد و جامعه آماری آن شامل زنان و مردان ۱۸-۶۵ ساله^۱ استان سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۹۷ بوده است که بر اساس نتایج حاصل از سرشماری سال ۱۳۹۵، برابر با ۲۷۷۵۰۱۴ نفر است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). از این میان ۴۴۰ نفر از طریق فرمول کوکران، انتخاب و به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله-ای^۲ مورد مطالعه قرار گرفتند. شیوه نمونه‌گیری بدین ترتیب بود که ابتدا، استان بر اساس معیارهای فرهنگی (نظیر قومیت، مذهب و...) و معیارهای اکولوژیک (مختصات جغرافیایی و اقلیمی) به چهار خوشه تقسیم و سپس از بین هر خوشه، یک شهر و چند روستا به‌طور تصادفی انتخاب شدند (جدول ۱). در خوشه اول، شهر زاهدان و دو روستای نورآباد و سیاه‌دک، در خوشه دوم، شهر زابل و دو روستای قائم‌آباد و کول، در خوشه سوم، شهرهای سراوان و ایرانشهر و روستاهای هوشک و دامن، آبادان و خیرآباد و در خوشه چهارم، شهر چابهار و روستاهای زهراب و صفرزهی انتخاب شدند. حجم نمونه به روش نمونه‌گیری متناسب با حجم تعیین شده است. به‌طوری که تعداد نمونه انتخابی در هر شهر و روستا، متناسب با جمعیت آن شهر و روستا در هر کل جمعیت استان بوده است. انتخاب نمونه‌ها نیز به شیوه نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک بوده است. در پیمایش حاضر، به روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای، در وهله اول بر اساس مناطق مختلف هر شهر، یک منطقه انتخاب و سپس از بین محله‌های این منطقه، چند محله به‌طور تصادفی انتخاب گردید. سپس هر محله به بلوک‌ها و کوچه‌ها تقسیم و در کوچه‌ها خانه‌هایی به‌طور تصادفی برگزیده شدند. آن‌گاه پرسشگر با سرپرست خانواده و در صورت حضور نداشتن،

۱. نظر به اینکه هدف اصلی تحقیق حاضر، مطالعه نگرش جمعی و گروهی و نه یک دسته یا زیرگروه خاص بوده، سعی شده نمونه‌گیری از گروه‌های مختلف سنی باشد و محدود به یک گروه سنی خاصی نباشد.

2. Cluster Multistage Sampling

عوامل مؤثر بر تعداد ایده‌آل فرزندان در خانواده در استان سیستان و بلوچستان ۱۰۹

با همسر وی مصاحبه ساخت‌یافته انجام داده و پرسشنامه را تکمیل می‌نمود. در صورتی‌که پاسخگو در منزل حضور نداشت یا حاضر به مصاحبه نمی‌شد، فردی از خانه دیگری در همان کوچه انتخاب می‌گردید و مورد مصاحبه قرار می‌گرفت. پرسشنامه‌ها در مناطق مختلف شهر و روستاهای اطراف، توسط کارشناس علوم اجتماعی که سابقه پرسشگری داشته، تکمیل شده است.

داده‌های مطالعه به شیوه میدانی و با استفاده از تکنیک پرسشنامه گردآوری شده است. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، در نهایت، ۴۱۳ پرسشنامه قابل تحلیل شناخته شد.

جدول ۱: تعداد نمونه‌ها به تفکیک شهرها و روستاهای مورد بررسی

خوشه	شهر/روستا	نام شهر/روستا	تعداد نمونه
خوشه اول	شهر	زاهدان	۶۶
	روستا	نورآباد و سپاه دک	۳۷
خوشه دوم	شهر	زابل	۴۰
	روستا	قانم آباد و کول	۴۰
خوشه سوم	شهر	سراوان و ایرانشهر	۶۲
	روستا	هوشک، دامن، آبادان و خیرآباد	۶۸
خوشه چهارم	شهر	چابهار	۳۰
	روستا	زهراب و صفرزهی	۷۰

متغیرهای تحقیق

متغیرهای مستقل تحقیق عبارتند از:

متغیرهای فردی: جنس، قومیت و محل سکونت (با سطح سنجش اسمی)، سطح تحصیلات (با سطح ترتیبی) و سن و هزینه خانوار (با سطح سنجش فاصله‌ای).

رسانه‌های جمعی: برای سنجش متغیر میزان استفاده از رسانه‌های جمعی از پنج شاخص رادیو و تلویزیون، سایت‌های اینترنتی، شبکه‌های ماهواره‌ای، شبکه‌های اجتماعی و روزنامه‌ها استفاده گردید. هر گویه بر روی طیف لیکرت پنج درجه‌ای («خیلی زیاد»، «زیاد»، «تاحدی»، «کم»، «خیلی کم») مطرح شده است.

نگرش‌های جنسیتی: برای سنجش نگرش‌های جنسیتی از دو بُعد سنتی و مدرن استفاده شده است. در بُعد سنتی از سه شاخص "لزوم پیروی زن از مرد"، "تقسیم کار سنتی" و "ضرورت اداره امور مهم جامعه توسط مردان" و در بُعد مدرن از دو شاخص "برابری زن و مرد" و "اشتغال و مشارکت زن در جامعه" در مقیاس لیکرت پرسیده شده است. برای اندازه‌گیری شاخص "تقسیم کار سنتی" از دو گویه «خانه‌داری اولویت اول زن محسوب می‌شود» و «بهتر است مرد برای معاش خانواده تلاش کند و زن فرزندان را در خانه تربیت کند»، در مقیاس لیکرت پرسیده شده است.

دینداری: دینداری یعنی دینی بودن، پایبندی دینی و داشتن التزام دینی به‌نحوی که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد را متأثر سازد (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴: ۳۵-۳۶). با توجه به اهداف تحقیق حاضر، از دو بُعد اعتقادی و مناسکی برای سنجش سطح دینداری استفاده شده است. بُعد اعتقادی باورهایی را دربر می‌گیرد که انتظار می‌رود پیروان آن دین، به آن‌ها اعتقاد داشته باشند. بُعد مناسکی اعمال دینی مشخص، مثل: عبادت، نماز، شرکت در آیین‌های مقدس خاص و غیره را که انتظار می‌رود پیروان هر دین به‌جا آورند، در برمی‌گیرد (توسلی و مرشدی، ۱۳۸۵: ۱۰۴-۱۰۳؛ سراج‌زاده و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۲۵). برای سنجش بُعد اعتقادی از شاخص‌هایی همچون "اعتقاد به خدا"، "اعتقاد به روز جزا"، "اعتقاد به وحی"، و...، و برای سنجش بُعد مناسکی نیز از شاخص‌هایی نظیر "شرکت در مراسم مذهبی"، "انجام واجبات دینی مثل نماز و روزه"، "رفتن به زیارت امکان مذهبی" و... استفاده و در مقیاس لیکرت پرسیده شده است.

متغیر وابسته تحقیق، تعداد ایده‌آل فرزند است که با پرسیدن تعداد ایده‌آل فرزندان برای هر خانواده، در سطح سنجش نسبی مورد سنجش قرار گرفته است.

در این تحقیق، برای بررسی اعتبار ابزار اندازه‌گیری از اعتبار محتوا و اعتبار سازه استفاده شد. به این معنا که برای طراحی پرسشنامه، از گویه‌ها و سؤالات استفاده شده در تحقیقات مشابه و متناسب با موضوع تحقیق حاضر، استفاده شد (گویه‌های نگرش جنسیتی از تحقیق سراج‌زاده و جواهری، ۱۳۸۵ و سروش و بحرانی (۱۳۹۲)، و گویه‌های دینداری از تحقیق توسلی و مرشدی، ۱۳۸۵ و سراج‌زاده و همکاران، ۱۳۸۳). ارزیابی پایایی تحقیق نیز با استفاده از آلفای کرونباخ و با معیار همسازی درونی گویه‌ها با معیار ۰/۷ انجام شده است (جدول ۲). بعد از تکمیل پرسشنامه به شیوه‌ی حضوری، یعنی مراجعه پرسشگر به پاسنخگو و گردآوری داده‌ها، توصیف و تحلیل آن‌ها

به کمک نرم افزار SPSS انجام شده است.

جدول ۲: ضریب پایایی گویه‌ها

ردیف	خرده مقیاس‌ها	تعداد گویه‌ها	ضریب آلفای کرونباخ
۱	نگرش جنسیتی سنتی	۳	۰/۸۸
۲	نگرش جنسیتی مدرن	۴	۰/۷۲
۳	دینداری مناسکی	۶	۰/۷۹
۴	دینداری اعتقادی	۴	۰/۶۸

جدول ۲ نشان می‌دهد که تمامی خرده مقیاس‌ها از ضریب پایایی قابل قبولی برخوردارند. لازم به ذکر است که آلفای کرونباخ که به معنای همسازی درونی بین گویه‌ها است، برای متغیر رسانه‌های جمعی بی‌معنا است، به همین جهت، برای این متغیر ضریب آلفا محاسبه نشده است، به عبارتی، استفاده از رادیو و تلویزیون همبستگی با استفاده از سایر رسانه‌ها ندارد.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

از ۴۱۳ نمونه بررسی شده، ۴۸/۷ درصد را زنان و ۵۱/۳ درصد را مردان تشکیل می‌دهند که در دامنه سنی ۱۸-۶۵ سال قرار دارند. هزینه خانوار حدود ۱۲ درصد پاسخگویان زیر یک میلیون، ۵۸ درصد بین یک تا دو میلیون، ۲۶ درصد بین دو تا سه میلیون و ۴ درصد بالاتر از سه میلیون درآمد داشته‌اند. سطح تحصیلات ۱۰ درصد پاسخگویان بی‌سواد، ۱۵ درصد راهنمایی، ۳۰ درصد دیپلم، ۱۰ درصد کاردانی، ۲۵ درصد کارشناسی و ۱۰ درصد کارشناسی ارشد و بالاتر است. قومیت ۶۲/۲ درصد پاسخگویان بلوچ و ۳۷/۸ درصد غیربلوچ است. محل سکونت ۵۱/۸ درصد پاسخگویان روستا و ۴۸/۲ درصد شهر است. بنا بر یافته‌ها، میانگین میزان استفاده از رادیو و تلویزیون در بین پاسخگویان ۲/۱۷، سایت‌های اینترنتی ۲/۲۷، شبکه‌های ماهواره‌ای ۱/۷۸، شبکه‌های اجتماعی ۱/۹۹ و روزنامه نیز ۱/۴۰ است. حدود ۳۴/۱ درصد افراد دارای نگرش جنسیتی سنتی کم، ۲۸/۶ درصد دارای نگرش جنسیتی سنتی متوسط و حدود ۳۷/۳ درصد نگرش جنسیتی سنتی زیاد هستند. همچنین نگرش جنسیتی مدرن ۱۵/۷ درصد پاسخگویان کم، در حدود ۱۵/۵ درصد متوسط و ۶۸/۸ درصد در حد زیاد است. همچنین میانگین بُعد نگرش جنسیتی سنتی در

بین پاسخگویان برابر با ۱۴/۰۲ و میانگین بُعد نگرش جنسیتی مدرن ۱۵/۵۴ است. میزان دینداری مناسکی ۶/۵ درصد پاسخگویان کم، ۲۹/۱ درصد متوسط و ۶۴/۴ درصد پاسخگویان بالا است. همچنین میزان دینداری اعتقادی ۹/۲ درصد افراد کم، ۴۴/۸ درصد در حد متوسط و ۴۶ درصد پاسخگویان زیاد است. میانگین بُعد مناسکی در بین پاسخگویان (۲۲/۱۱) بیشتر از بُعد اعتقادی (۱۶/۰۷) است.

جدول ۳: توصیف متغیرهای تحقیق

محل سکونت (درصد)	قومیت (درصد)	سطح تحصیلات (درصد)	هزینه خانوار (درصد)	جنس (درصد)	
بیسواد: ۱۰					
راهنمایی: ۱۵					
زیر یک میلیون: ۱۲					
روستا: ۵۱/۸	بلوچ: ۶۲/۲	دیپلم: ۳۰	یک تا دو میلیون: ۵۸	زن: ۴۸/۷	
شهر: ۴۸/۲	غیربلوچ: ۳۷/۸	کاردانی: ۱۰	دو تا سه میلیون: ۲۶	مرد: ۵۱/۳	
کارشناسی: ۲۵					
کارشناسی ارشد و بالاتر: ۱۰					
بیشتر از سه میلیون: ۴					
انحراف معیار	میانگین	زیاد	متوسط	کم	ابعاد (مولفه‌ها)
۰/۷۲	۲/۱۷	۳۶/۳	۴۴/۶	۱۹/۱	راديو و تلویزیون
۰/۸۶	۲/۲۷	۵۵/۲	۱۷	۲۷/۸	میزان استفاده از سایت‌های اینترنتی
۰/۸۲	۱/۷۸	۲۵/۴	۲۷/۶	۴۷	رسانه‌های جمعی شبکه‌های ماهواره‌ای
۰/۸۴	۱/۹۹	۳۵/۱	۲۹/۵	۳۵/۴	شبکه‌های اجتماعی
۰/۶۲	۱/۴۰	۷/۵	۲۵/۹	۶۶/۶	روزنامه‌ها
۴/۴۱	۱۴/۰۲	۳۷/۳	۲۸/۶	۳۴/۱	نگرش جنسیتی سنتی
۳/۹۹	۱۵/۵۴	۶۸/۸	۱۵/۵	۱۵/۷	نگرش جنسیتی مدرن
۵/۴۶	۲۲/۱۱	۶۴/۴	۲۹/۱	۶/۵	مناسکی
۳/۳۲	۱۶/۰۷	۴۶/۰	۴۴/۸	۹/۲	دینداری اعتقادی

اطلاعات مندرج در جدول ۳، توزیع جمعیت نمونه را بر حسب متغیر وابسته (تعداد ایده‌آل فرزند) به تفکیک قومیت و جنسیت نشان می‌دهد. مطابق نتایج، در هر یک از دو گروه قومی و جنسی بیشتر افراد دو فرزند را به‌عنوان تعداد ایده‌آل فرزند بیان کرده‌اند؛ ۴۱ درصد پاسخگویان غیربلوچ و ۲۸ درصد پاسخگویان بلوچ، داشتن دو فرزند را ایده‌آل می‌دانند، اما در بین غیربلوچ‌ها این تعداد ایده‌آل به نسبت بیشتر است. در بین پاسخگویان غیربلوچ، ایده‌آل تک‌فرزندی مورد پذیرش و رایج‌تر است. به‌گونه‌ای که ۲۳/۷ درصد پاسخگویان غیربلوچ آن را الگوی ایده‌آل

عوامل مؤثر بر تعداد ایده‌آل فرزندان در خانواده در استان سیستان و بلوچستان ۱۱۳

می‌دانند. همچنین در بین پاسخگویان بلوچ، بعد از دو فرزندی، ایده‌آل چهار فرزندی بیشتر است، ۲۱ درصد پاسخگویان غیربلوچ چهار فرزندی و بیشتر را ایده‌آل می‌دانند، در حالی که در بین غیربلوچ‌ها این ایده‌آل به مراتب کمتر است. هیچ کدام از پاسخگویان تمایلی به بی‌فرزندی نداشتند. همچنین بر اساس یافته‌ها، با توجه به جنسیت پاسخگویان، ایده‌آل دوفرزندی در بین زنان غیربلوچ و بلوچ بیشتر از مردان غیربلوچ و بلوچ است. ایده‌آل تک‌فرزندی، در بین مردان غیربلوچ بیش از زنان غیربلوچ است (۲۷/۱ درصد در مقابل ۱۹/۷ درصد). همچنین ایده‌آل داشتن چهار فرزند، در بین مردان بلوچ بیشتر از زنان بلوچ است (۲۴/۴ درصد در مقابل ۱۷/۷ درصد). بنابراین میانگین تعداد ایده‌آل فرزندان پاسخگویان بلوچ و غیربلوچ توزیع همانندی نداشته و دامنه تفاوت‌ها برحسب قومیت و جنسیت پاسخگویان یکسان نیست.

جدول ۴: توزیع درصدی تعداد ایده‌آل فرزند، به تفکیک قومیت و جنس

تعداد ایده‌آل فرزند	بلوچ		غیربلوچ		کل
	مرد	زن	مرد	زن	
۱	۱۶/۵	۱۲/۳	۱۴/۴	۱۹/۷	۲۳/۷
۲	۲۴/۴	۳۱/۵	۲۸/۰	۴۳/۷	۴۱/۰
۳	۱۱/۸	۲۰/۸	۱۶/۳	۱۲/۷	۱۵/۴
۴ و بالاتر	۲۴/۴	۱۷/۷	۲۱/۰	۱۲/۷	۱۱/۵
۵	۶/۳	۳/۸	۵/۱	۹/۸	۵/۹
۶	۸/۷	۷/۷	۸/۲	۱/۴	۱/۹
۷ و بالاتر	۷/۹	۶/۲	۷/۰	۰/۰	۰/۶
کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

نتایج تحلیل چندمتغیره

در این پژوهش با استفاده از تحلیل رگرسیون سعی گردید تا نقش و تأثیر متغیرها به صورت خالص و با کنترل کردن تأثیر سایر عوامل مشخص گردد و همچنین متغیرهای مختلف در طی مدل‌های مختلف وارد معادله رگرسیونی شوند تا بتوان به مقایسه نقش و سهم انواع متغیرها در تبیین تعداد ایده‌آل فرزندان در خانواده پرداخت. بدین منظور، متغیرهای شناسایی شده تحقیق، به چهار گروه تقسیم شدند: متغیرهای فردی (جنس، قومیت، محل سکونت، سن، سطح تحصیلات،

۱. در پژوهش حاضر، متغیرهای جنس (زن = ۰ و مرد = ۱)، قومیت (غیربلوچ = ۰ و بلوچ = ۱) و محل سکونت (شهر = ۰ و روستا = ۱) به عنوان متغیر تصنعی در نظر گرفته شده‌اند.

هزینه خانوار)، متغیر میزان استفاده از رسانه‌های جمعی (رادیو و تلویزیون، شبکه‌های ماهواره‌ای، سایت‌های اینترنتی، شبکه‌های اجتماعی و مطبوعات)، متغیر نگرش جنسیتی (سنتی و مدرن) و متغیر دینداری (مناسکی و اعتقادی). هر یک از این چهار گروه متغیرها، طی مدل‌های چهارگانه وارد معادله رگرسیونی شدند. بدین ترتیب که مدل یکم، فقط شامل تعیین نقش متغیرهای فردی بود. در مدل دوم، علاوه بر متغیرهای فردی، متغیر میزان استفاده از رسانه‌های جمعی (رادیو و تلویزیون، شبکه‌های ماهواره‌ای، سایت‌های اینترنتی، شبکه‌های اجتماعی و مطبوعات) نیز وارد معادله شدند. در مدل سوم، علاوه بر تمامی متغیرهای موجود در مدل قبل، متغیر نگرش جنسیتی (سنتی و مدرن) نیز به معادله اضافه شدند. در نهایت، در مدل چهارم، علاوه بر تمامی متغیرهای موجود در مدل سوم، متغیر دینداری نیز به معادله افزوده شد. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی برای مدل‌های چهارگانه در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵. مدل رگرسیونی برای پیش‌بینی تعداد ایده‌آل فرزند در خانواده (ضرایب بتا)

متغیرهای مستقل	مدل اول	مدل دوم	مدل سوم	مدل چهارم
جنس	-۰/۰۰۱	-۰/۰۰۸	-۰/۰۰۳	-۰/۰۰۱
سن	۰/۲۸**	۰/۲۹**	۰/۳۰**	۰/۲۴**
هزینه خانوار	۰/۱۲**	۰/۱۵**	۰/۱۴**	۰/۱۵**
تحصیلات	-۰/۲۳**	-۰/۱۱	-۰/۰۵	-۰/۰۲
قومیت	۰/۱۳**	۰/۱۵**	۰/۱۴**	۰/۱۱*
محل سکونت	۰/۱۵**	۰/۱۸**	۰/۱۷**	۰/۱۰
رادیو و تلویزیون	-	-۰/۱۱*	-۰/۸۰*	-۰/۱۱*
سایت‌های اینترنتی	-	۰/۰۶	۰/۰۸	۰/۰۷
شبکه‌های ماهواره‌ای	-	-۰/۱۶**	-۰/۱۱*	-۰/۰۸
شبکه‌های اجتماعی	-	-۰/۰۳	-۰/۰۳	۰/۰۲
روزنامه‌ها	-	-۰/۱۲**	-۰/۱۴**	-۰/۱۸**
نگرش جنسیتی سنتی	-	-	-۰/۰۵	-۰/۰۴
نگرش جنسیتی مدرن	-	-	-۰/۲۳**	-۰/۲۲**
دینداری مناسکی	-	-	-	۰/۲۳**
دینداری اعتقادی	-	-	-	۰/۰۰۸
ضریب تعیین R ²	۰/۲۷	۰/۳۱	۰/۳۵	۰/۳۸

** معنی‌دار در سطح ۰/۰۱، * معنی‌دار در سطح ۰/۰۵

در مدل اول رگرسیونی، برای تبیین تعداد ایده‌آل فرزند، از متغیرهای فردی استفاده شده است. مدل اول، دلالت بر این دارد که از بین عوامل فردی، متغیرهای سن، هزینه خانوار، سطح تحصیلات، قومیت و محل سکونت، تأثیر معنی‌داری بر تعداد ایده‌آل فرزند در خانواده دارند. به این نحو که با افزایش سن، بر تعداد ایده‌آل فرزند افزوده شده است؛ افراد دارای تحصیلات بالاتر، تمایل کمتری به افزایش تعداد ایده‌آل فرزند در خانواده دارند (به عبارتی با افزایش سطح تحصیلات، تعداد ایده‌آل فرزند در خانواده کاهش می‌یابد)؛ پاسخگویان بلوچ، بیشتر از غیربلوچ به افزایش تعداد ایده‌آل فرزند در خانواده تمایل داشته و با افزایش هزینه خانوار، تعداد ایده‌آل فرزندان در خانواده اضافه می‌شود؛ تعداد ایده‌آل فرزند در بین ساکنان مناطق روستایی، بیشتر از مناطق شهری است؛ به عبارت دیگر، تمایل به فرزندآوری در بین روستائیان، بیشتر از شهرنشینان است. در مدل اول، متغیرهای زمینه‌ای در مجموع، قادر بوده‌اند ۲۷ درصد از تغییرات واریانس تعداد ایده‌آل فرزند در خانواده را تبیین نمایند.

در مدل دوم، متغیرهای مربوط به رسانه‌های جمعی به معادله افزوده شده است. از بین متغیرهای مربوط به رسانه‌های جمعی، مصرف رادیو و تلویزیون، شبکه‌های ماهواره‌ای و روزنامه‌ها تأثیر منفی و معنی‌دار بر تعداد ایده‌آل فرزند در خانواده داشته‌اند. به عبارت دیگر، از نظر تأثیرگذاری رسانه‌های جمعی بر تمایل به فرزندآوری، تفاوتی مابین رسانه‌های داخلی و خارجی دیده نمی‌شود و این نشان‌گر تأثیرات مشابه رسانه‌های جمعی و افکار و تمایلات افراد در زمینه مورد بررسی است. با افزودن متغیر میزان استفاده از رسانه‌های جمعی به معادله، تأثیر سطح تحصیلات بر تعداد ایده‌آل فرزند در خانواده دیگر معنی‌دار نیست. این نشان می‌دهد که اثرگذاری متغیر تحصیلات بر تعداد ایده‌آل فرزند در خانواده، تحت تأثیر متغیر رسانه‌های جمعی است. با اضافه شدن متغیر میزان استفاده از رسانه‌های جمعی به مدل، متغیرهای سن، هزینه خانوار، قومیت و محل سکونت همچنان تأثیر معنی‌داری بر تعداد ایده‌آل فرزند در خانواده دارند. با افزوده شدن متغیرهای رسانه‌های جمعی، قدرت تبیین مدل به ۳۱ درصد افزایش یافت. به بیان دیگر، این متغیرها به همراه متغیرهای فردی توانستند ۳۱ درصد از تغییرات واریانس تعداد ایده‌آل فرزند در خانواده را تبیین نمایند.

در مدل سوم، متغیرهای مربوط به نگرش جنسیتی (سنتی و مدرن) به معادله افزوده شده است. از این بین، متغیر نگرش جنسیتی مدرن، تأثیر معنی‌دار کاهنده‌ای بر تعداد ایده‌آل فرزند در

خانواده داشته است. بدین معنی که افزایش نگرش جنسیتی مدرن در افراد باعث کاهش تعداد ایده آل فرزند آنها در خانواده می شود. مجموع متغیرهای موجود در مدل سوم، یعنی متغیرهای فردی (سن، هزینه خانوار، قومیت و محل سکونت)، رسانه های جمعی (مصرف رسانه های داخلی، شبکه های ماهواره ای و روزنامه) و متغیرهای نگرش جنسیتی مدرن و سنتی، ۳۵ درصد از تغییرات واریانس تعداد ایده آل فرزند در خانواده را تبیین می کنند.

در مدل چهارم، متغیر دینداری با دو بُعد مناسکی و اعتقادی به معادله اضافه شده است. بُعد دینداری مناسکی تأثیر مستقیم معنی دار بر تعداد ایده آل فرزند در خانواده نشان می دهد. اما بُعد اعتقادی دینداری تأثیر معنی داری نداشته است. با ورود این متغیرها به معادله، متغیر محل سکونت و از بین متغیرهای رسانه های جمعی تأثیر معنی دار شبکه های ماهواره ای دیگر تأثیر معنی داری بر تعداد ایده آل فرزند در خانواده نشان نمی دهند. این یافته گویای این مطلب است که اثرگذاری متغیر محل سکونت و شبکه های ماهواره ای بر تعداد ایده آل فرزند در خانواده از طریق بُعد مناسکی دینداری صورت می گیرد. به علاوه، از تأثیر مثبت متغیرهای سن، هزینه خانوار و قومیت تا حدی کاسته و بر تأثیر منفی متغیرهای مصرف رادیو و تلویزیون، روزنامه ها افزوده شده است. این نشان می دهد که اثرگذاری متغیرها بر تعداد ایده آل فرزند در خانواده، تحت تأثیر متغیرهای دینداری است. در مجموع، متغیرهای موجود در مدل نهایی توانستند ۳۸ درصد از تغییرات واریانس تعداد ایده آل فرزند در خانواده را تبیین کنند.

بحث و نتیجه گیری

هدف اصلی تحقیق حاضر، بررسی عوامل مؤثر بر تعداد ایده آل فرزند در استان سیستان و بلوچستان بود که بالاترین نرخ باروری در کشور را دارد. بدین منظور، با بهره گیری از نظریه های انتخاب عقلانی و تبیین ساختاری (نظریه های اقتصادی باروری، برابری جنسیتی و...) و نظریه های مرتبط با تبیین هنجاری و فرهنگی (تأثیر قومی فرهنگی و...) به بررسی عوامل مؤثر بر این پدیده پرداخته شد.

طبق یافته های توصیفی تحقیق، در هر یک از دو گروه قومی و جنسی بیشتر پاسخگویان دو فرزندی را تعداد ایده آل فرزند اعلام کرده اند که این تعداد، پایین تر از میزان باروری کل استان سیستان و بلوچستان در حال حاضر است که ۳/۹۶ فرزند می باشد. همچنین تعداد ایده آل فرزند

در بین هر دو گروه قومی بلوچ و غیربلوچ یکسان نمی‌باشد، درحالی‌که در بین غیربلوچ‌ها ایده‌آل دو فرزندی بیشتر از بلوچ‌ها است. داشتن دو فرزند، هنجاری ایده‌آل در بیشتر پژوهش‌های انجام شده در ایران است (از جمله محمودیان و محمودیانی، ۱۳۹۳؛ پیلتن و رحمانیان، ۱۳۹۴؛ سروش و بحرانی، ۱۳۹۲؛ راد و ثوابی، ۱۳۹۴؛ عباسی شوازی و خانی، ۱۳۹۴؛ عسکری ندوشن و همکاران، ۱۳۹۴؛ خلفی، ۱۳۹۵؛ فروتن و همکاران، ۱۳۹۵؛ چمنی و همکاران، ۱۳۹۵؛ فروتن و کرمی، ۱۳۹۵؛ فروتن و میرزایی، ۱۳۹۷؛ عباسی شوازی و همکاران، ۱۳۹۷ و...). همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که با توجه به جنسیت پاسخگویان، ایده‌آل دو فرزندی در بین زنان بیشتر از مردان است. مردان غیربلوچ در مقایسه با زنان، بیشتر تک‌فرزندی را ایده‌آل می‌دانند، در صورتی‌که مردان بلوچ نسبت به زنان بلوچ، چهار فرزندی را ایده‌آل می‌دانند و این نشان می‌دهد که مردان بلوچ خواهان داشتن تعداد فرزندان بیشتری هستند.

نتایج حاصل از تحلیل چندمتغیره تحقیق نشان داد که با بالا رفتن سن پاسخگویان بر تعداد ایده‌آل فرزند افزوده می‌شود. این نتیجه تا حدی مؤید یافته‌های محمودیان و محمودیانی (۱۳۹۳)، عباسی شوازی و خانی (۱۳۹۴)، فروتن و کرمی (۱۳۹۵)، فروتن و میرزایی، (۱۳۹۷)، چانگ (۲۰۰۳)، شرفلر (۲۰۱۶) و شاپیرو و تامباش (۲۰۱۷) است. متغیر سطح تحصیلات، تأثیر معکوس معنی‌داری بر تعداد ایده‌آل فرزند دارد، به عبارتی با افزایش سطح تحصیلات، تعداد ایده‌آل فرزند در خانواده کاهش می‌یابد. اما با توجه به نتایج رگرسیون، با افزوده شدن متغیرهای رسانه‌های جمعی به معادله، تأثیر سطح تحصیلات بر تعداد ایده‌آل فرزند در خانواده، معکوس اما معنی‌دار نیست و اثرگذاری این متغیر بر تعداد ایده‌آل فرزند در خانواده تحت تأثیر متغیر رسانه‌های جمعی است.

همچنین یافته‌ها نشان داد که در بین پاسخگویان بلوچ تمایل به افزایش تعداد ایده‌آل فرزند بیشتر از غیربلوچ‌ها است. قومیت، به‌عنوان یک عنصر فرهنگی، بستری است که رفتار در آن شکل می‌گیرد و تعلق قومی می‌تواند هم از طریق تسهیل و تقویت و اشاعه ایده‌های جدید مرتبط با باروری و هم با تأکید بر حفظ ارزش‌ها و هنجارهای قومی و ممانعت از پذیرش ایده‌های جدید به‌صورت دوگانه و در جهات مختلف رفتار و ایده‌آل‌های باروری را تحت تأثیر قرار دهد (حسینی و عباسی شوازی، ۱۳۸۶: ۵). در رویکرد تأثیر قومی فرهنگی، فرض بر این است که اعضای گروه قومی، هنجارها، ایده‌آل‌ها و تجربیات اقتصادی-اجتماعی مشترکی دارند که متمایز

از ویژگی‌های جامعه است. بنابراین، رفتارهای باروری گروه‌های قومی ممکن است پاسخ منطقی آنها به شرایط و موقعیت‌های اقتصادی-اجتماعی و نابرابری قومی و تفاوت در ارزش‌ها و هنجارهای خرده فرهنگی باشد (حسینی، ۱۳۸۳: ۱۰۶). به عبارتی هر گروه قومی به دلیل ارزش-های فرهنگی خاص خود، رفتارهای باروری متفاوتی را تجربه می‌کند (شاپیرو و تامباش، ۲۰۱۷: ۳۲۵۴) و رفتار گروه‌های قومی مورد مطالعه در این مقاله، در چنین بستری قابل فهم و قابل توضیح است.

هزینه‌های خانوار، تأثیر مثبت معنی‌داری را بر تعداد ایده‌آل فرزند در خانواده نشان داد. این امر می‌تواند نشان دهنده تأثیر نوسانات اقتصادی و درآمد خانواده بر تعداد ایده‌آل فرزند باشد. مطابق نظریه‌های اقتصاد باروری، تصمیم‌گیری در مورد اندازه خانواده، تحت تأثیر وضعیت اقتصادی خانواده قرار دارد (حسینی، ۱۳۸۳: ۹۴). زمینه‌ها و شرایط اقتصادی جامعه به‌طور کلی و خانواده‌ها به‌طور خاص، همواره یکی از تعیین‌کننده‌های مهم باروری بوده است (عباسی-شوازی و خانی، ۱۳۹۴: ۳۴). کالدول نیز معتقد است در شرایطی که فرزند مهم‌ترین منبع امنیت اقتصادی است، باروری بالا یکی از ویژگی‌های جامعه خواهد بود (لوکاس و میر، ۱۳۸۷: ۹۰). در استان سیستان و بلوچستان، مردان تأمین‌کننده اصلی نیازهای اقتصادی خانوار هستند و شرایط اقتصادی یکی از عوامل مهمی است که رفتار باروری و تعداد ایده‌آل فرزند در خانواده را شکل می‌دهد.

بر اساس نتایج به‌دست آمده، در استان سیستان و بلوچستان، تعداد ایده‌آل فرزند در بین ساکنان مناطق روستایی، بیشتر از شهرنشینان است؛ به عبارتی دیگر، تمایل به فرزندآوری در بین ساکنان مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری است، اما با توجه به نتایج رگرسیون، متغیر محل سکونت به‌طور مستقیم، تأثیر معنی‌داری بر تعداد ایده‌آل فرزند در خانواده ندارد و اثرگذاری این متغیر بر تعداد ایده‌آل فرزند در خانواده از طریق بُعد مناسکی دینداری صورت می‌گیرد.

درباره تأثیر میزان استفاده از رسانه‌های جمعی بر تعداد ایده‌آل فرزند، بنابر نتایج مشخص شد که با افزایش میزان استفاده از رسانه‌ها (مصرف رسانه‌های داخلی و مطالعه روزنامه‌ها) در بین پاسخگویان، تعداد ایده‌آل فرزند در خانواده کاهش می‌یابد. یافته‌های این یافته تحقیق همسو با پژوهش چمنی و همکاران (۱۳۹۵) و برخلاف پژوهش‌های رسول‌زاده و همکاران (۱۳۹۴)، صادقی (۱۳۹۵)، سفیری و همکاران (۱۳۹۶) و ادھیکاری (۲۰۱۰) بوده است.

بنابر یافته‌ها، مشخص گردید متغیر نگرش جنسیتی مدرن، تأثیر معنی‌دار کاهنده‌ای بر تعداد ایده‌آل فرزند در خانواده دارد. بدین معنی که هر چه نگرش جنسیتی مدرن‌تر باشد، تعداد ایده‌آل فرزند کمتر خواهد بود. این نتیجه تاحدی همسو با پژوهش‌های عنایت و پرنیان (۱۳۹۲)، مدیری (۱۳۹۶) و برخلاف پژوهش سروش و بحرانی (۱۳۹۲)، گتو و همکاران (۲۰۱۵) است.

براساس یافته‌ها، بُعد اعتقادی دینداری تأثیر معنی‌داری بر تعداد ایده‌آل فرزند در بین پاسخگویان ندارد. این نتیجه برخلاف پژوهش‌های براناس گارازا و نیومن (۲۰۰۷) و ژانگ (۲۰۰۸) و همسو با نتایج سروش و بحرانی (۱۳۹۲) است. اما بُعد مناسکی دینداری تأثیر مستقیم معنی‌دار بر تعداد ایده‌آل فرزند در خانواده دارد. به عبارتی هرچه میزان بُعد مناسکی دینداری در بین پاسخگویان بالا می‌رود، تعداد ایده‌آل فرزند در خانواده افزایش می‌شود. این نتیجه، همسو با یافته‌های سروش و بحرانی (۱۳۹۲)، ادھیکاری (۲۰۱۰)، چمنی و همکاران (۱۳۹۵)، فروتن و رضایی (۱۳۹۷)، فروتن و میرزایی (۱۳۹۷)، براناس گارازا و نیومن (۲۰۰۷)، هی فورد و مورگان (۲۰۰۸) و گتو و همکاران (۲۰۱۵) است که مؤید این است که با بالا رفتن دینداری، تمایل افراد به داشتن فرزند بیشتر سوق می‌یابد.

در جوامع متکثر از لحاظ فرهنگی همچون سیستان و بلوچستان، هویت قومی و قومیت عامل تعیین‌کننده‌ی اساسی در کنش‌ها و ایده‌آل‌های باروری و عامل بازدارنده‌ی قوی بر سر راه هم‌گرایی جمعیت‌شناختی است و گروه‌های قومی با تأکید بر این کنش‌ها و تمایلات، تلاش می‌نمایند تا منافع و موقعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خود را تقویت کرده و بهبود بخشند. هرچند باروری در اکثر گروه‌های قومی در ایران کاهش یافته، تفاوت‌هایی در سطح و میزان باروری در بین آنان به‌ویژه در بین قوم بلوچ وجود دارد که به‌نظر می‌رسد بخشی از این تفاوت‌ها وابسته به محیط اجتماعی و فرهنگی آن منطقه و ناشی از خرده‌فرهنگ‌های قومی-مذهبی است. بدین معنی که وقتی فرهنگ گروه حاکم در میان گروه اقلیت پذیرفته نشود، به دلیل تمایل گروه اقلیت به حفظ هویت فرهنگی خود، نوعی خرده فرهنگ موافق با افزایش باروری در میان آنان ایجاد می‌شود. بخشی هم در ارتباط با جایگاه متفاوت توسعه‌ای و شرایط اقتصادی-اجتماعی گروه اقلیت (از جمله در استان سیستان و بلوچستان) است. بنابراین، ضروری است هرگونه سیاستگذاری در مورد روند جمعیتی استان سیستان و بلوچستان با آگاهی و شناخت از کنش‌های فرزندآوری از جمله تعداد ایده‌آل فرزند و عوامل مؤثر بر آن صورت بگیرد و تمامی تلاش‌ها در

راستای تحقق تعداد ایده‌آل فرزند صورت‌بندی شود. زیرا مطالعه و بررسی این ایده‌آل‌ها تا حدودی می‌تواند روندهای آتی تحولات خانواده را شناسایی و ترسیم کند. همچنین لازم است سیاستگذاران و برنامه‌ریزان بر اتخاذ، تدوین و اجرای موفق سیاست‌های جمعیتی منطقی متمرکز شوند که در آن وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گروه‌های قومی-مذهبی ساکن استان در نظر گرفته شود. همچنین می‌بایست بر اتخاذ سیاست‌هایی مناسب و متناسب با مکانیسم‌هایی که منجر به ایجاد تعادل و بهبود در شرایط اقتصادی و اجتماعی جامعه می‌شود، تأکید شود تا زمینه و بستری فراهم گردد که خانواده‌ها بتوانند با توجه به اینکه فرزندآوری کماکان در فرهنگ و اقتصاد جامعه ایران یک ارزش و تمایل محسوب می‌شود، ایده‌آل‌ها و خواسته‌های فرزندآوری خود را محقق کنند.

منابع

- ادیبی سده، مهدی، اسحق ارجمند سیاهپوس و زهرا درویش‌زاده (۱۳۹۰). بررسی میزان افزایش باروری و عوامل مؤثر بر آن در میان طایفه کرد ساکن اندیمشک، *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال ۴، شماره ۱، صص ۸۱-۹۸.
- ارجمندسیاه‌پوش، اسحق و ناهید برومند (۱۳۹۵). بررسی عوامل اجتماعی فرهنگی مؤثر بر گرایش به فرزندآوری در شهر اندیمشک با تأکید بر سبک زندگی (مطالعه موردی زنان متأهل کمتر از ۳۵ سال)، *مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، سال ۶، شماره ۲۱، صص ۹-۲۴.
- پیلتن، فخرالسادات و محمد رحمانیان (۱۳۹۴). بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر تمایل به فرزندآوری زنان و مردان متأهل (مورد مطالعه: زنان و مردان ۲۵ تا ۴۵ ساله شهر جهرم)، *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال ۷، شماره ۲، صص ۱۲۱-۱۳۴.
- توسلی، غلامعباس و اسدالله مرشدی (۱۳۸۵). بررسی سطح دینداری و گرایش‌های دینی دانشجویان (مطالعه موردی: دانشگاه صنعتی امیر کبیر)، *مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران*، سال ۷، شماره ۴، صص ۹۶-۱۱۸.

عوامل مؤثر بر تعداد ایده‌آل فرزندان در خانواده در استان سیستان و بلوچستان ۱۲۱

چمنی، سولماز، عالیہ شکر بیگی و محمود مشفق (۱۳۹۵). مطالعه تعیین‌کننده جامعه‌شناختی فرزندآوری (مورد کاوی: زنان متأهل شهر تهران، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال ۵، شماره ۲۰، صص ۱۳۷-۱۶۵).

حسینی، حاتم (۱۳۸۳). درآمدی بر جمعیت‌شناسی اقتصادی-اجتماعی و تنظیم خانواده، ویراست دوم، چاپ دوم (ویرایش اول)، همدان، انتشارات دانشگاه بوعلی سینا.

حسینی، حاتم و محمدجلال عباسی شوازی (۱۳۸۶). تفاوت‌های قومی باروری در ایران: روندها و عوامل مؤثر بر آن، مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران، دوره ۸، شماره ۴، صص ۳-۳۶.

خلفی، فاطمه (۱۳۹۵). بررسی رابطه فعالیت‌های اقتصادی-اجتماعی زنان و باروری در شهر یزد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه یزد.

راد، فیروز و حمیده ثوابی (۱۳۹۴). بررسی گرایش به باروری و عوامل اجتماعی مرتبط با آن (مطالعه موردی زنان متأهل ۱۵-۵۰ ساله ساکن شهر تبریز)، مطالعات زن و خانواده، دوره ۳، شماره ۱، صص ۱۲۷-۱۵۵.

رسول‌زاده اقدم، صمد، سیمین افشار، صمد عدلی‌پور و سیداحمد میرمحمدتبار (۱۳۹۴). تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و سبک زندگی با گرایش به فرزندآوری (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال پنجم، شماره ۲۰، صص ۱۰۷-۱۳۷).

زنگنه، مهدی (۱۳۹۵). ارزیابی و تحلیل شاخص‌های توسعه انسانی در مناطق کشور، مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال ۳، شماره ۱، صص ۱۴۹-۱۶۰.

سراج‌زاده، سیدحسین و فاطمه جواهری (۱۳۸۵). برابری گرایشی جنسیتی در میان دانشجویان و متغیرهای زمینه‌ای و نگرشی مرتبط با آن، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هفتم، شماره ۲، صص ۳-۴۰.

سراج‌زاده، سیدحسین، سارا شریعتی و سیروس صابر (۱۳۸۳). بررسی میزان دینداری و انواع آن با مداری اجتماعی، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی فردوسی مشهد، سال ۱، شماره ۴، صص ۴۲-۱۰۹.

سروش، مریم و شعله بحرانی (۱۳۹۲). رابطه دینداری، نگرش به نقش‌های جنسیتی، و نگرش به فرزند، با تعداد واقعی و ایده‌آل فرزند، زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۱۱، شماره ۲، صص ۱۸۹-۲۰۸.

۱۲۲ دوفصلنامه مطالعات جمعیتی، دوره ۵، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۸

سفیری، خدیجه، افسانه کمالی و الهه فرج (۱۳۹۶). بررسی جامعه‌شناختی نگرش مثبت به فرزند (مطالعات زنان شهر ایلام)، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، دوره ۱۹، شماره ۷۵، صص ۸۵-۱۰۹.

شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۸۴). مدلی برای سنجش دینداری در ایران، مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۱، صص ۳۴-۶۶.

شیخ بیگلو، رعنا (۱۳۹۰). شناسایی مناطق محروم ایران با استفاده از رتبه‌بندی ترکیبی، پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال ۲، شماره ۷، صص ۵۳-۷۰.

صادقی، رسول (۱۳۹۵). تحلیل بسترهای اجتماعی فرهنگی کاهش باروری در ایران، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال ۵، شماره ۲۰، صص ۲۱۷-۲۴۷.

عباسی‌شوازی، محمدجلال و حاتم حسینی (۱۳۸۶). قومیت و باروری: آزمون فرضیه‌های رقیب برای تبیین تفاوت‌های قومی باروری در شهرستان ارومیه، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دوره ۲، شماره ۴، صص ۵-۴۱.

عباسی‌شوازی، محمدجلال و رسول صادقی (۱۳۸۵). قومیت و باروری: تحلیل رفتار باروری گروه‌های قومی در ایران، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۹، صص ۲۹-۵۸.

عباسی‌شوازی، محمدجلال و سعید خانی (۱۳۹۴). ناامنی اقتصادی و باروری: مطالعه موردی زنان دارای همسر شهرستان سنندج، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، شماره ۱۷، صص ۳۳-۷۱.

عباسی‌شوازی، محمدجلال، حسین محمودیان، رسول صادقی و زهرا قربانی (۱۳۹۷). تأثیر جهت‌گیری ارزشی-نگرشی بر ایده‌آل‌های فرزندآوری در ایران، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال سیزدهم، شماره ۲۶، صص ۳۷-۶۶.

عسکری ندوشن، عباس، حاتم حسینی و حامد کریمی (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی عوامل تعیین‌کننده ایده-آل‌های باروری زنان کرد شاغل و غیرشاغل شهر سنندج، مطالعات راهبردی زنان، سال ۱۷، شماره ۶۷، صص ۴۵-۸۳.

عنایت، حلیمه و لیلا پرنیان (۱۳۹۲). مطالعه رابطه جهانی‌شدن فرهنگی و گرایش به فرزندآوری، زن و جامعه، سال ۴، شماره ۲، صص ۱۰۹-۱۳۶.

فروتن، یعقوب و سمیه میرزایی (۱۳۹۷). ترجیحات قومی فرزندآوری در ایران، دوفصلنامه مطالعات جمعیتی، دوره ۴، شماره ۲، صص ۳۵-۶۰.

عوامل مؤثر بر تعداد ایده‌آل فرزندان در خانواده در استان سیستان و بلوچستان ۱۲۳

فروتن، یعقوب و صدیقه رضایی پاشا (۱۳۹۷). تأثیرات هویت دینی بر تمایلات فرزندآوری در مناطق روستایی و شهری منتخب ایران، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال ۱۹، شماره ۱، صص ۷۵-۹۶.

فروتن، یعقوب و فرشاد کرمی (۱۳۹۵). الگوها و تعیین‌کننده‌های تمایلات فرزندآوری در ایران، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، دوره ۱۱، شماره ۲۱، صص ۷۲-۱۰۱.

فروتن، یعقوب، الهه سادات ایزی و سمیه نعیمی (۱۳۹۵). تمایلات شیعی-سنّی فرزندآوری در شهرستان‌های بجنورد و گنبدکاووس، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، دوره ۱۶، شماره ۶۲، صص ۱۸۷-۲۲۳.

قدرتی، حسین و علی‌یار احمدی (۱۳۹۰). تحلیل سرمایه اجتماعی و باروری زنان در مناطق شهری سبزوار، *مطالعات جغرافیایی مناطق خشک*، شماره ۴، صص ۷۹-۹۴.

گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۴). *پیامدهای مدرنیته*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.

گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان، چاپ پنجم، تهران: نشر نی.

گیلیس، مالکوم، دوایت اچ پرکینز، اچ دوایت، مایکل رومر، دانلد آر مایکل و دانلد آر اسنودگراس (۱۳۸۵). *اقتصاد توسعه*، ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی، چاپ دوم، تهران: نشر نی.

لوکاس، دیوید و پاول میر (۱۳۸۴). *درآمدی بر مطالعات جمعیتی*، ترجمه حسین محمودیان، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

محمودیان، حسین (۱۳۷۹). پژوهشی در زمینه‌های نظری و نتایج تجربی مهاجرت و باروری، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۱۵، صص ۱۴۷-۱۶۴.

محمودیان، حسین و رضا نوبخت (۱۳۸۹). مذهب و باروری: تحلیل رفتار باروری گروه‌های مذهبی سنّی و شیعه شهر گله‌دار استان فارس، *مسائل اجتماعی ایران*، سال ۱، شماره ۱، صص ۱۹۵-۲۱۵.

محمودیان، حسین و سراج‌الدین محمودیانی (۱۳۹۳). مطالعه تطبیقی نگرش مردان و زنان به تعداد فرزندان دلخواه (مطالعه موردی افراد در شرف ازدواج مراجعه کننده به مراکز بهداشتی منتخب شهر کرمانشاه)، *مطالعات راهبردی زنان*، دوره ۱۶، صص ۹۷-۱۲۴.

مدیری، فاطمه (۱۳۹۶). بررسی مقایسه‌ای تأثیر دینداری و نگرش‌های جنسیتی بر قصد فرزندآوری به تفکیک جنسیت در شهر تهران، *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، سال ۸، شماره ۳۲، صص ۱۷۱-۲۰۲.

مرکز آمار ایران (۱۳۷۵). *سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان*، سال (۱۳۷۵).

مرکز آمار ایران (۱۳۸۵). سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان، سال (۱۳۸۵).

مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان، سال (۱۳۹۰).

مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان، سال (۱۳۹۵).

- Abasi-Shavazi, M. J. P, Mcdonald. M, Hoseini-Chavoshi. (2009). The Fertility Transition in Iran: Revolution and Reproduction. London: *Springer Publication*.
- Abuov, A. (2010). Ethnic Differentiation of Fertility In in Kazakhstan, Master Thesis, Charles University In Prague, Faculty of Science, Department of Demography And Geodemography.
- Adhikari, R. (2010). Demographic, Socio-Economic And and Cultural Factors Affecting Fertility Differentials In Nepal, *BMC Pregnancy And Childbirth*, 10(19): 3-11.
- Bernardi, L. (2003). Channels of Social Influence on Reproduction, *Population Research and Policy Review*, 22 (5-6): 527-555.
- Bongaarts, J. (2002). The End of Fertility Transition in the Developed World, *Population and Development Review*, 28: 44-419.
- Bongaarts, J. S.C, Watkins. (1996). Social interactions and contemporary fertility Transitions, *Population and Development Review*, 22: 639-682.
- Branas-Garza, P. Sh, Neuman. (2007). Parental religiosity and Daughters 'fertility the case of Catholics in southern Europe, *Review of Economy of Household*, 5: 305-327.
- Caldwell, J. C. (2006). Demographic Transition Theory. Dordrecht: *Springer Publication*.
- Carlsson, U. S, Tayie. G, Jacquinet-Delaunay. J. M. P, Tornero. (2008). Empowerment through Education: An Intercultural Dialogue, Sweden: Goteborg University.
- Chang, C.F. (2003), Fertility Patterns Among the Minority Populations of China: A Multilevel Analysis, In Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy, Texas A&M University.
- Guetto, R. R, Luijkx. S, Scherer. (2015). Religiosity, Gender Attitudes and Women's Labour Market Participation and Fertility Decisions In in Europe, *Acta Sociologica*, 58(2): 155-172.
- Hakim, C. (2003). A New Approach To to Explaining Fertility Patterns: Preference Theory, *Population And Development Review*, 29 (3): 349 - 374.
- Heyford, S. R. S. P, Morgan. (2008). Religiosity and Fertility in the United States: The Role of Fertility Intentions, *Sociology Forces*, 86(3):1163-1188.

- Kohler, H. P. C, Bühler. (2001). Social Networks and Fertility, In: Smelser, N.J. and Baltes, P.B. (eds.), *International encyclopedia of the social & behavioral sciences*. Oxford: Pergamon: 14380–14384.
- Kulu. H. T, Hannemann. (2016). Why Does Fertility Remain High Among Certain UK – Born Ethnic Minority Women? *Demographic Research*, 35: 1441-1488.
- Lopez, D. E. G, Sabagh. (1978). Untangling Structural and Normative Aspects of the Minority Status- *Fertility Hypothesis*, *Sociology*, 83(6): 1491-1497.
- Mcdonald, P. (2000). Gender Equity in Theories of Fertility Transition. *Population and Development Review*, 26(3): 427–439.
- Millre, W.B. (1994). Childbearing motivations, desires, and intentions: A theoretical framework, *Genetic, Social and Psychology Monographs*, 120(2):58-223.
- Palamuleni, M. E. (2014). Social and Economic Factors Affecting Ethnic Fertility Differentials in Malawi, *Development and Sustainability*, 3(1): 70-88.
- Payne, J. (2004). The Impact of a Reduced Fertility Rate on Women's Health. *BMC Women's Health*, 4(Suppl 1): S11.
- Peri-Rotem, N. (2016), Religion and Fertility in Western Europe: Trends across Cohorts in Britain, France and the Netherlands, *Population*, 32: 231–265.
- Requena, M. L, Salazar. (2014). Education, Marriage, and Fertility the Spanish Case, *Family History*, 39 (3): 283-302. Doi: 10.1177/0363199014527592.
- Roberts, E. B. A, Metcalfe. M. T, Jack. (2011). Factors that influence the childbearing intentions of Canadian men, *Human Reproduction*, 26 (5): 1202–1208.
- Shapiro. D. B. O, Tambahse. (2017). Fertility, Ethnicity, and Education in the Democratic Republic of the Congo, *African Population Studies*, 31(1): 3253-3270.
- Shreffler, K. M. (2016). Contextual Understanding of Lower Fertility among U.S. Women in Professional Occupations, *Family Issues*, 38 (2): 1-21.
- Söderberg, M. I, Lundgren. K, Christensson. I, Hildingsson. (2013). Attitudes toward fertility and childbearing scale: an assessment of a new instrument for women who are not yet mothers in Sweden, *BMC Pregnancy and Childbirth*, 6 (2): 54-58, DOI: 10.1186/1471-2393-13-197.
- Testa, M. R. (2014). On the Positive Correlation between Education and Fertility Intentions in Europe: Individual- and Country-Level Evidence, *Advances In Life Course Research*, 21: 28–42.
- Zhang, L. (2008). Religious Affiliation, Religiosity and Male and Female Fertility, *Demographic Research*, 18 (8): 233-262.